

درباره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

صفحه ۲

درسی و هشتمین سالروز تاسیس حزب توده ایران و آغاز انتشار مجدد «مردم»، توسط مردم

دفتر «مردم» گلباران شد

دفتر «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد



صحنه‌ای از جریان گشایش مجدد دفتر «مردم»

بالاخره زمین مزروعی مال کیست؟

روز پنجشنبه ۱۲ مهر، اطلاعیه‌ای از وزارت کشاورزی درج‌رید انتشار یافت. اطلاعیه درباره جریانی است که در استان فارس رخ داده، مالکان معسرند که زمینهای زراعی را تصرف کنند و دهقانان بحق میطلبند که زمین باید مال آنها، یعنی مال زحمتکش واقعی باشد.

قاعداً از وزارت کشاورزی دولت جمهوری اسلامی انتظار می‌رود که جانب دهقانان مستضعف را بگیرد و دست مالکان مستکبر را، که دهقانان را غارت میکنند، کوتاه نماید. ولی اطلاعیه وزارت کشاورزی درست برعکس است. انتظاری که مردم و بویژه دهقانان فارس از دولت داشتند، برآورده نشده است.

بقیه در صفحه ۴

۱۰ مهر، در شهر، در سیمای پیگیرترین مبین دوستان و آزادیخواهان، در چهره آگاهترین زحمتکشان، شورشی غیرعادی چشم می‌خورد. زحمتکشان، روشنفکران آزادیخواه و نیروهای ضد امپریالیست، سی و هشتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، را در شرایط گشایش مجدد دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، جشن می‌گرفتند.

روز قبل، دفتر روزنامه «مردم»، در حضور رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی و جمعی از اعضا و هواداران حزب، که از گشایش دفتر «مردم» آگاه شده و پیشاپیش آنرا گلباران کرده بودند، توسط نماینده دادستان کل انقلاب، گشوده شده بود و این، یعنی انتشار دیگر باره «مردم»، که یکماه و نیم پیش بدون دلیل توقیف شده بود، بر این شادمانی می‌افزود.

دفتر «مردم» از همان ابتدای گشایش با استقبال وسیع مردم مواجه شد. روزیکه قرار بود دفتر «مردم» گشوده شود، هر چند خبر آن در سطح بسیار محدودی پخش شده بود، ولی از صبح گروه‌هایی از هواداران حزب، با زدن گلهای سرخ به نمای خارجی دفتر، جشن شادمان خود را آغاز کرده بودند. هنگامیکه در ساعت ۴ بعد از ظهر رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی وعده‌ای از اعضاء هیئت سیاسی و کمیته مرکزی به محل دفتر رسیدند، جمعیت با شمار آوردن بر کمیته مرکزی حزب ماه از آنها استقبال کردند. به هنگام گشایش دفتر، حاضران یکصد شروع به خواندن سرود حزب توده ایران کردند و در همان حال بسیاری از شدت شوق میگریستند. حاضران برای نماینده دادستان انقلاب کف زدند و این اقدام بجای دادستانی را در رفع توقیف بی‌دلیل و غیرموجه «مردم» تأیید کردند.

روز بعد در سالروز تاسیس حزب توده ایران و کمی پس از انتشار خبر گشایش دفتر «مردم»، گروه‌های مختلف مردم، از دانش آموزان و دانشجویان و کارگران گرفته تا نمایندگان احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه، با دسته‌های گل برای تهنیت و تجدید پیمان اتحاد مبارزه در راه تحقق آرمانهای مردمی، بجانب دفتر «مردم» سرازیر شدند. در شهر، در اکثر کیهوسکهای روزنامه فروشی، شماره ۵۶ «مردم» پایام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی و هشتمین سال نبرد پیگیر، در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تامين خواسته‌های زحمتکشان، چشم می‌خورد. در برخی نقاط، روی دسته روزنامه «مردم»، شاخه گل می‌نک سرخی، به نشانه ۳۸ سال فداکاری و استواری در راه آرمانهای مردم زحمتکش قرار داشت.

بقیه در صفحه ۷

درباره مجلس خبرگان و مصوبات آن

در صفحه ۳



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۸
شنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

نشانه‌های امیدبخش در راه حل مسئله کردستان

■ حل مسئله کردستان فقط از طریق مسالمت آمیز و با تأمین حقوق ملی خلق کرد امکان پذیر است

طبق اخباری که منتشر شد، حجت الاسلام حسین کرمانی، نماینده اعزامی امام خمینی به غرب کشور، در مه‌باد، در جلسه‌ای با شرکت استاندار آذربایجان غربی، فرمانده پادگان و فرماندار مه‌باد، نماینده اعزامی نخست‌وزیر، فرمانده سپاه پاسداران و گروهی از مردم شهر حضور یافت. در این جلسه، نماینده امام، ضمن نطقی که ایراد کرد، به حوادث اخیر کردستان اشاره نمود و گفت:

«آتش که در کردستان روشن شد نه خواست مردم کرد و نه خواست ما بود... این آتش را بیشتر دوستان نادان ما روشن کردند، دوستان نادانی که مانند موریا نه در داخل ما این اعمال را دامن زدند... باید واقعیت را که فعلاً با آن روبرو هستیم قبول کنیم، دولت آنچه را که شما در این جلسه عنوان کردید، به عنوان خودمختاری بکلیه استانها باید بدهد... ما باید کاری کنیم که نگذاریم دشمنان ما بیش از این بما بختند».

آقای حاکم آستاندار آذربایجان غربی نیز در این جلسه گفت:

«در اسلام مردم خودمختاری کامل دارند و کسی متکر آن نیست. اما متأسفانه در برخی نقاط برای نتیجه‌گیری از ثمرات انقلاب عجله شد و باعث بروز ناراحتی‌هایی گردید».

یکی از نمایندگان مردم مه‌باد، با اشاره بلزوم تأمین حقوق ملی خلق کرد، گفت:

در صفحه ۲

تغییر کابینه به چه معنی است؟

برای چندمین بار از آغاز تشکیل دولت موقت، تغییراتی در کابینه بوجود آمده است. معمولاً تغییراتی که در هر دولتی روی می‌دهد، یا به معنی تغییر در سیاست کلی دولت است در زمینه‌های معین یا جنبه «فنی» دارد، یعنی بعلی غیر از تغییر سیاست کلی دولت صورت می‌گیرد، مانند استعفا، بیماری عدم توانایی و... یک یا چند وزیر.

تغییراتی که تاکنون در دولت موقت صورت گرفته، در اساس خود، حاکی از تغییر سیاست کلی دولت نبوده است ولی تغییر اخیری که در کابینه آقای مهندس بازرگان صورت گرفته، از دو نظر حائز اهمیت است: نخست آنکه برخی از این تغییرات می‌تواند حاکی از تغییر سیاست باشد. دوم اینکه از برخی از وزارتخانه‌ها و در نتیجه وزیران آنها، به علت اهمیت و حساسیت وظایف آنها، انتظار عمل جدی و فوری در جهت خواسته‌های مردم می‌رود، کاری که متأسفانه تاکنون صورت نگرفته است.

با اینکه پس از پیروزی انقلاب ایران، حاکمیت ملی ایران بر صنایع نفت اعلام شده، ولی چنانکه همه شواهد حاکی است، آقای نزیه نخوعسته و نتوانسته است در سیاست نفتی ایران تغییر اساسی بدهد. نتیجه چنین روشی ادامه وابستگی نفتی ایران به انحصارات امپریالیستی نفت است که، با توجه به نقش عظیمی که نفت در اقتصاد ملی ایران دارد، نتیجه‌ای جز حفظ وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم، نخواهد داشت.

نارضایتی بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی از آقای نزیه، که در روزهای اخیر به اوج خود رسید و سرانجام تا تشکیل وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت، عملاً به برکناری وی منجر شد (بدون آنکه این برکناری اعلام گردد) ناشی از همین واقعیت است.

اینک با ایجاد وزارت نفت و تعیین وزیر جدید نفت مردم انتظار دارند که این تغییر با تغییر در سیاست نفتی ایران در جهت ریشه‌کن ساختن نفوذ انحصارگران نفت از صنایع و منابع نفت ایران، در جهت تأمین حاکمیت دولتی ایران بر منابع و صنایع نفت خویش همراه باشد.

در مورد ایجاد وزارت مشاور برای رسیدگی به امور استانهای کشور، که واحدهای ملی را هم در بر می‌گیرد، باید گفت که با شناسایی که از آقای داریوش فروهر، وزیر مشاور

بقیه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ایران تصویب اصل راجع بشوراهای قانون اساسی است، که در صورتیکه بمعنای واقعی و خلقی خود اجرا شود، در شکل و محتوای امر شوراهای، درست سپردن کار مردم بخود مردم، یعنی در سمت مردمی کردن جامعه ما، تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. نظام شورایی میتواند راه حل موثری برای مسائل بفرنج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و غیره باشد، شوراهای شهر حلقه مهمی از این نظام و سیستم است.

شوراهای شهر، بطوریکه از نامش پیداست، شورایی است برای اداره شهر، که حکومت بر شهر را در دست خود متمرکز میکند. اما اداره شهر و حکومت بر شهر بسود چه کسانی؟ بسود خلق مستضعف و زحمتکش و میهن دوست و بسا به سود دشمنان آنها و یا تلفیقی از این دو؟

شهری که در ایران غارت شده و تحقیر گشته ما از رژیم سرتا فساد و ستم پهلوی بارش مانده، همانند سرتاسر جامعه به ارث مانده از طاغوت، بوسیله یک دیوار هولناک، به دو قسمت طاغوتی و مردمی منقسم و مجزا گردیده. روشن است که در چنین شهری نمیتواند شورایی وجود داشته باشد که در عین حال نماینده هر دوسوی دیوار باشد و شهر را بسود هر دو جانب اداره کند، زیرا جمع منافع مردم و اقشار ضد مردم در یک جا محال است.

نظام شورایی یک نظام سیستمی است که بخش اداری و سیاسی آن از شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان و شورای سرتاسری کشور (مجلس شورایی) و شاید شوراهای دیگر تشکیل میشود. ما در این جا بصورتی و شرح این سیستم نمیپردازیم؛ زیرا این خود موضوعی است بسهم و نیازمند طرح و توضیح مبسوط و مخصوص. همچنین در اینجا خیال تدوین آئین نامه و یا نظامنامه برای شوراهای نداریم، بلکه، بدان مناسبت که دولت امروز فقط انتخابات و تشکیل شوراهای شهر را مطرح نموده، میخواستیم بر مبنای یکانه اصل بنیادی - واگذاری کار مردم به خود مردم - آن اصول کلی را بیان نمائیم که تنها بارعایت آنها، شوراهای شهر (و یا هر شورای دیگری) خواهد توانست بیانگر و مجری اراده و محافظ منافع مردم شهر خود باشد.

عمده ترین آن اصول کلی به قرار زیر است، ۱- وظایف شورای شهر باید عبارت باشد از سازماندهی و رهبری و نظارت بر کلیه امور مربوط به فرهنگ و بهداشت و برنامه و بودجه و دارائی و ترابری و مسکن و آب و برق و خواربار و قیمتها و هزینه زندگی و موسسات تولیدی و خدماتی دولتی، همچنین نظارت بر فعالیت موسسات تولیدی و خدماتی خصوصی و دیگر مسائل صرفاً مربوط به شهر خود، بسود توده ها و اقشار مردمی شهر و قبیل از همه مستضعفان و زحمتکشان سازمانهای انتظامی هر شهری نیز باید تحت نظر شورای همان شهر انجام وظیفه کنند.

۲- یک چنین شورایی که باید چنین وظایفی را اجرا کند، باید از جهت شیوه انتخاب و نحوه فعالیت و روح خود دارای مختصات زیرین باشد، الف - نمایندگان شورا های شهر باید در شرایط آزادی کامل از میان طبقات و اقشار مردمی، یعنی کارگران (و کشاورزان - در صورتیکه در شهر و یا حومه اطراف آن کشاورزان موجود باشند)، اصناف و کسبه و پیشهوران، روحانیون مترقی و مبارز، روشنفکران و کارمندان انقلابی و مترقی، سرمایه داران میهن دوست و دیگر اقشار مردمی انتخاب شوند. در این انتخابات باید همه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، مبارز، میهن دوست و آزادیخواه امکان شرکت آزاد داشته باشند.

ب- شورای هر شهری باید عالی ترین مقام حاکمیت در سطح شهر خود در چارچوب قوانین عام کشور باشد.

ب- شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری باید از جانب شورای همان شهر انتخاب و در راس دستگاه اجرایی شهر خود قرار گیرند و در چارچوب قوانین عام کشور در مقابل شورای شهر خود مسئول باشند. شورای هر شهری طبق قوانین عام کشور در تابعیت مستقیم شورای بخش و یا شورای شهرستان خود قرار دارد البته باید شهر مورد نظر مرکز بخش و یا شهرستان باشد. شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری را، همانطور که در بالا گفته شد، شورای همان شهر انتخاب میکند و از جانب شورای شهرستان مر سوطه تصویب میگردد.

ت - شورای شهر نباید مردم شهر را آن توده محکوم به اطاعتی بشمارد که مجموع حقوق و وظایف آنها تنها رای دادن است و بس، پس از رای دادن باید برود پی کارش و دیگر رفق و رفیق مسائل شهر به او ربطی ندارد. برعکس این شیوه طاغوتی و سرتا یا ارتجاعی، شورای شهر باید فقط در پیوند دائمی بسا مردم شهر خویش، خود را حکومت شهر بداند و وظایف خود را در پیوند دائمی بسا مردم شهر خود و با اتکا به نیرو و ویاری آنها انجام دهد. یعنی شورای شهر باید مقامی باشد که در راس اقتدار مردمی ساکنان شهر و یا پشتیبانی و شرکت فعال آنها بر شهر حکومت کند. بنظر ما، اصول کلی فوق، که هدف از آنها سپردن کار هر محلی بسدست مردم همان محل است، و بیشک میتواند بسا مواد دیگری و یا با تنقیح و اصلاحاتی تکمیل تر و عمیق تر گردد، یگانه اصول درست و مردمی است که باید پایه تشکیل شورا های شهر و روح فعالیت آنها قرار گیرد. فقط یک شورای منبسط از مردم، آگاه از نیازمندیهای وی و متکی بر اراده وی خواهد توانست بیانگر تفویض کار مردم به مردم باشد. فقط یک چنین شورایی آن ستاد مبارز و مردمی را بوجود خواهد آورد که خواهد توانست نیروی مردم شهر خود را در راه برکنند بنیان رژیم طاغوتی از شهر خود و پایه گذاری یک زندگی انسانی بسپنج نماید و در برابر احیای مجدد سلطه رژیم طاغوتی و ضد مردمی سد غیر قابل عبوری ایجاد کند.

در صورتیکه اصول مذکور در بالا و بویژه روح این اصول، که عبارتست از شکستن شیوه کشورداری طاغوتی و گشودن راه خلق بسوی حاکمیت بر خویش است، مراعات نگردد، شورای شهر نیز مانند آنچه منتهای شهرداری دوران رژیم منغور پهلوی و دیگر نهادها و بنیادهای منسوخ گشته آن دوران ضد خلقی، جز یک گروه دیوانسالار گماشته، منفرد از خلق، بی خبر از جامعه و فاقد اعتبار و حیثیت اجتماعی چیز دیگری نخواهد بود.

ما خواهان تشکیل شورای واقعا مردمی هستیم و برای توضیح و تبلیغ آن از هیچ کوششی کوتاهی نخواهیم کرد، زیرا ما منظور که در مقدمه گفتیم، نظام شوراهای - اگر درست ایجاد شود - یگانه و درست ترین شکل تحول بنیاد کشورداری بسود مردم میدانیم.

ما با چنین اصولی و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکنیم و از مردم و سازمانهای شوراهای شهر و همه نیروها، احزاب، سازمانها، گروههای و شخصیتهای انقلابی، ملی و دمکراتیک نیز می طلبیم که بر اساس چنین اصول و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

بقیه از صفحه ۱
«ما خواهان خواسته هایی که با جمهوری اسلامی مغایرت ندارد، هستیم و دولت باید عملا حسن نیت خود را نشان دهد».

در این جلسه، نمایندگان مردم مهاباد خواستهای مردم، از جمله ایجاد امنیت کامل در شهر، روشن شدن دلایل اجرای برخی احکام و قطع تبلیغات مسموم کننده علیه کردستان را مطرح ساختند. (اطلاعات - ۹ مهر).

آقای داریوش فروهر، وزیر مشاور، گفته است، «اگر بقصد جنگهای صلیبی به کردستان نرویم، بی تردید مشکلات حل خواهد شد».

(اطلاعات - ۱۰ مهر)

پس از خواندن این خبرها، هر ایرانی دلسوز بحال مردم، بدون وارد شدن به جزئیات خبرها، بی اختیار نفسی به راحتی میکشد، زیرا در شرایطی که هنوز بر خیرها در کردستان باز هم شمشیر میسایند، این خبرها انعکاس روشنی است از خرد انسانی و ندای وجدان و حس برادری. در اینجا دیگر سخن از «پرتاب نارنجک»، «حمله هلیکوپتر کبرا»، «گلوله باران کردن پاسگاه»، «اعدام مهاجم» و کشته شدن برادر بدست برادر نمیروند، بلکه خبری از یک عمل انسانی است، برادران دور هم نشسته اند، دیر روز را به کناری نهاده اند و با هم درد دل میکنند، درد آن دلسوی

نشانه های امید بخش در راه حل مسئله کردستان ...

که متأسفانه بارشده نوکران استعمار و ارتجاع هنوز هم از آن خون میچکد. یک وزیر با احساس مسئولیت، از قابل حل بودن مشکل کردستان بطریق غیر نظامی سخن میگوید. اینگونه طرز برخورد با احساس مسئولیت، خوشبختانه منحصر بسند نمونه بالا نیست.

ما اعزام نماینده امام خمینی به کردستان و کوشش این فرستاده را در سمت حل مسألت آمیز و دمکراتیک و انسانی مسئله کردستان و همه کوششهایی را که در این سمت انجام میگردد، از صمیم قلب تعینت میگوئیم و موفقیت این خط مشی را که بازتاب انقلاب خلقی ما و بیانگر چهره اسلام واقعی است، از صمیم قلب آرزو مندیم.

حزب توده ایران، طی چندین سندرسمی، که پس از آغاز حوادث اسفناز کردستان انتشار داده، خواستار آن شده است که تفنگها خاموش شوند و در محیط برادری، در حد اعلای تفاهم و احساس مسئولیت برای سر نوشت انقلاب ایران، بخاطر رسیدن به هدفهای میرز زبیرین مذاکره بعمل آید.

۱- تامین خواستهای بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت های ملی. ۲- تامین اتحاد

بالاخره زمین مزروعی مال کیست؟

بقیه از صفحه ۱
که خواستار زمین هستند و از دولت جمهوری اسلامی انتظار دارند که هر چه زودتر اصلاحات واقعی ارضی بسود آنها انجام دهد و اراضی را به کسانی که روی آنها کار میکنند، واگذار نماید، «متجاوزین و غاصبین ارضی» خوانده است.

ولی کیست که نداند متجاوز، مالک استعمارگر است. غاصب، ارباب بهره کش و زورگوست. دهقانان متجاوز و غاصب نیستند، آنها حق خود را میخواهند و زمین حق مسلم آنهاست.

اطلاعه وزارت کشاورزی از «حفظ محیط امن برای فراهم کردن موجبات فعالیتهای سازنده کشاورزی» دم میزند. «موجبات فعالیت سازنده» را، میلیونها دهقان زحمتکش با کار و زحمت خود، در روی زمینهای خود و با کمک و حمایت واقعی دولت و تعاونیها میتوانند انجام دهند نه مالکان بهره کش. «محیط امن» را باید برای این میلیونها دهقان بوجود آورد نه برای آن مالکان. انقلاب منجمله - برای آن انجام شد که این میلیونها مردم روستایی بحق خود برسند و محیطشان واقعا امن باشد، یعنی ستم مالک و زور زانندار از بسن برود. برای دهقانان ایران، هشت ماه بعد از انقلاب، محیط امن، یعنی محیطی که در آن خودشان ثمره کار خویش را ببرند و زرع مال زارع باشد و از اعمال مالک در امان باشند.

در اطلاعیه تصمصم مر بسوط کرده بودند، ولی بعلمت اعتراض کارگران که گفتند اینهمه بیکاردر قزوین وجود دارد و شما از رشت کارگر میآورید، از استخدام صدتای باقیمانده صرف نظر کردند. به کارگران روستایی میکنند بروید به روستاهای خودتان و در همانجا کار کنید. آنها هر چه قسم میخورند که ما زمین نداریم و فایده بعد.

مرکز کاریابی قزوین و وضع بیکاران

همه روزه حداقل ۲۰۰ الی ۳۰۰ کارگر بیکار به این کمیته شهر صنعتی با شهر فاصله زیاد دارد و کارگران میگفتند، کسی که پول ندارد و بیکار است، باید هر روز ۳-۴ تومان کرایه میثی بوس بدهد و به شهر صنعتی برود تا آنجا به او بگویند کار نیست.

منتقل شده است. کارگران معترض بودند. زیرا شهر صنعتی با شهر فاصله زیاد دارد و کارگران میگفتند، کسی که پول ندارد و بیکار است، باید هر روز ۳-۴ تومان کرایه میثی بوس بدهد و به شهر صنعتی برود تا آنجا به او بگویند کار نیست.

سرویس وجود دارد؛ ۲- از ۴ سال به بالا نداشته باشند، ۳- ورقه پایان خدمت داشته باشند، ۴- اهل شهرستانهای دیگر نباشند، هفته قبل ۲۵۰ دختر از رشت آورده بودند که در کارخانه ریستدگی بیکار بگمارند. ابتدا ۱۵۰ نفر از دختران را استخدام

همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران».

در اعلامیه حزب توده ایران گفته میشود، «بنظر ما، تشکیل شوراهای - آنطور که فقید سعید آیت الله طالقانی پیشنهاد میکند و تصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود - میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور نیل به هدفهای فوق باشد».

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که آماده است تمام نیرو و امکان خود را برای حل مسألت آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار برد.

سیاست و عمل حزب توده ایران، از درک این واقعیت ناشی میشود که مشکل کردستان، مشکل یک خلق قارت شده، تحقیر گشته، محروم و ستمدیده است و فقط بسا برداشتن بار این ستمهای کمر شکن از گردن خلق کرد، مشکل بطور بنیادی حل خواهد شد. با همین درک واقع بینانه و انسانی از مشکل کردستان است که حزب توده ایران، با اطمینان قاطع به امکان حل مسألت آمیز و مردمی این مشکل، آماده شرکت در این امر خیر و کمک ویاری به حکومت جمهوری اسلامی ایران است، تا همین ماز یک مخصص خونین و ناخواسته رهایی یابد.

بخلعید از مالکانی که کشت پاییزه را انجام ندهند، «تصمیمات عناصر غیر مسئول و غیر قانونی» خوانده شده است. این عناصر غیر مسئول کیانند؟ چرا چنین تصمیمی غیر قانونی است؟ چرا اراضی نباید مال دهقانان باشد؟ چرا قانون زمینداری جماعتی شده و همه اهداف انقلاب و رهنمودهای صریح رهبری انقلاب درباره توجه به زراعین و زراعت را میکوبد؟ بالاخره زمین مزروعی مال کیست و آیا تا مال خود دهقانان نباشد مسائل مهم وجدی مادرده و در سطح کشاورزی کشور حل خواهد شد؟ اینها سئوالهای حیاتی است، که اطلاعیه پنجمین وزارت کشاورزی متأسفانه با آنها پاسخ در جهت مخالف بسا هدفها و نیازهای انقلاب، مخالف بسا خواستهای حق و حق مسلم دهقانان داده است.

«مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای «زبی»! همواداران و دوستان حزب! با آغاز سی و نهمین سال تاسیسی حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران برعهده دارد، یاری رسانید.

«مردم»

درباره مصوبات مجلس خبرگان (۳)

در شماره‌های گذشته «مردم» بحثی را پیرامون کارهای مجلس خبرگان و سمتگیری عمومی آن آغاز کردیم. و برخی از مواد آنرا، در مقایسه بین متن پیش‌نویسی که در خردادماه بمردم عرضه شده بود و متنی که اکنون توسط خبرگان تدوین و تصویب میشود، مورد بررسی قرار دادیم.

اینک، طی یک سلسله مقاله دیگر، بررسی خود را ادامه میدهیم و نظر خود را، باین امید که در تصمیم‌گیری نهائی موثر واقع شود، ارائه میداریم! زیرا قانون اساسی مهمترین سند حقوقی جمهوری اسلامی ایرانست و باید بسنجیم که همه مردم و آئینه آرمانها و بازتاب دستاوردهای انقلاب ما باشد.

اصل دهم مربوط به خانواده و قداست آنست و بجای اصول ۱۲ و ۱۱ پیش‌نویس می‌آید. در این ماده، از اینکه خانواده واحد بنیادی جامعه است و پیرامون آن شکل آن و قداست آن صحبت میشود.

بنظر ما هم خانواده واحد مقدسی در جامعه است و باید از هر گونه پیرایه زور و تحکم و نابرابری و فساد و وابستگی مالی و معیشتی و غیره پاک باشد، تا واقعاً برشالوده دوستی و تقدس و محبت استوار گردد.

بنظر ما، شرط اساسی یک چنین تقدس استوار و مستحکم خانواده، چیزی جز تساوی کامل حقوق زن و مرد نمیتواند باشد. زن و مرد باید از نظر قانونی و مدنی از جمیع جهات دارای حقوق مساوی و وظایف برابر باشند تا بتوان یک چنین خانواده‌ای را بنیان گذاری کرد. متأسفانه خبرگان این اصل اساسی را بکلی نادیده گرفتند و ابتدا نامی هم از برابری حقوق زن و مرد و وظایف همسران بعنوان شرط عمده استحکام و سلامت خانواده در میان نیست. اگر لاقلاً این اصل مسلم اسلامی، که همگان برابری برای تفویض وجود ندارد در نظر گرفته میشد و همچنین مشارکت زنان در انقلاب و شهیدانی که داده‌اند یا پروانده و تقدیم انقلاب کرده‌اند، فراموش نمی‌شد، بی‌هیچ تردیدی حق آن میبود که برابری زن و مرد در خانواده، صراحتاً و بدقت، بعنوان یک حق و یک وظیفه، در قانون اساسی قید و مسجل میگردد. متأسفانه کنیز و تکرانی آور است که چنین نشد و حق مسلم زنان ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلابی که زنان در آن نقش افتخار آمیز داشتند، بازتاب نیافت.

حق آن است که در اینجا دو نکته را یادآوری کنیم: یکی گفته‌های صریح و مکرر امام خمینی درباره نقش زنان در انقلاب و حق آنان به شرکت در حیات سیاسی کشور است که گویی نمایندگان مجلس خبرگان آنرا ناشنیده گرفته‌اند، اگر زنان، بگفته امام، چنین نقش والا داشته و از حقوق سیاسی برابر، منجمله در انتخاب کردن و انتخاب شدن، برخوردارند، هیچ دلیلی نمیتوان یافت که در سایر امور و در زمینه‌های مدنی و اداری و خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی، با حقوق زنان برخورد انقلابی مشابهی صورت نگیرد و همانطور که در صدر اسلام در مورد مسئله زنان نسبت بدوره جاهلیت، انقلابی عمل شد، اکنون نیز همان شیوه مورد عمل قرار نگیرد. امام، پیشرو بودن زنان را در انقلاب بارها یادآوری کرده است. آیا حق هست که این پیشروها، یعنی زنان را در واپس‌ترین رده قرارداد و حقوق کاملاً مساوی آنان را در قانون اساسی، که ثمره آنهمه فداکاری و مشارکت و جان‌نازایی است، نادیده گرفت؟ نکته دوم آنست که، اهمیت این موضوع توسط حزب توده ایران، بهنگام بحث پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی، قبل از انتخابات مجلس خبرگان، و همچنین توسط کاندیداهای حزب توده ایران در جریان این انتخابات، بکرات و صریحاً خاطر نشان شد. کسی نمیتواند بگوید که، بموقع خود، توجه مسئولان و تدوین‌کنندگان آینده قانون اساسی باین مسئله حیاتی و حساس جلب نشده است. در متن اصلاحات پیشنهادی حزب توده ایران، که همراه نامه سرگشاده‌ای از جانب کمیته مرکزی حزب ما به هیئت دولت تسلیم شد، در ماده چهارم چنین گفته میشود:

«حزب توده ایران پیشنهاد میکند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود: قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.»

اضافه میکنیم که مسئله حقوق زنان، مسئله‌ای است که با سرنوشت انقلاب ما بستگی دارد و تنها حقی نیست که زنان با خون و فداکاری خود بدست آورده باشند. ما باید دستاوردهای انقلاب را از دستبرد ضدانقلاب مصون نگاهداریم، برای این میان، به نیروی جدی اجتماعی در برابر نیروی دشمن نیاز داریم. زنان بخش مهمی از این نیروی عظیم ضروری را تشکیل میدهند. اگر واقعاً پس‌نوشت انقلاب و پیروزی و پیشبرد آن علاقه‌مندیم، حق نداریم حق کاملاً برابر زنان را نادیده بگیریم و انقلاب را از این نیروی عظیم و لایزال و پیشرو، که نقش راه‌ایت خود را محالاً دیگر ثابت کرده است، محروم کنیم.

مطالبی که در مورد اصل دهم گفته‌ام، درباره اصل مربوط به حقوق برابر مردم از زن و مرد (موضوع اصل ۲۲ در پیش‌نویس)، که در مجلس خبرگان بصورت تجزیه شده و غیر قابل قبولی چندین روز بعد به تصویب رسید نیز صدق میکند. در مورد آن ماده در جای خود صحبت خواهیم کرد.

اصل یازدهم مربوط به دین و مذهب رسمی کشور است. در پیش‌نویس، در مورد مذهب جعفری اضافه شده بود که، «مذهب اکثریت مسلمانان ایرانست.» این قید، که توجه گنجا نیدن این رسمیت در قانون اساسی کشور ما، در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی بود، در متنی که در مجلس خبرگان تصویب شده، برداشته شده و بجای آن عبارت «این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است»، نهاده شده است حتی آن‌کسانی که بر سالت‌جهانی اسلام معتقدند و میخواهند جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای در سطح همه کشورهای مسلمان باشد، چنین فرمول‌بندی تازه‌ای را مقابله با نظر خود میدانند و معتقدند که از قدرت جاذبه تجربی به‌اماد سایر کشورها خواهد کاست.

آنچه در ماده یازدهم مهم است، اینست که در ایران میلیونها مسلمان غیر شیعه وجود دارد. قانون اساسی موظف است حقوق آنها را نیز برسمیت بشناسد. ولی با اعتقاد مسلمانان غیر شیعه و نمایندگانشان در مجلس خبرگان، حقوق آنها برسمیت شناخته نشده و همین کلمه «رسمیت»، جز در مورد تعلیم و تربیت و احوال شخصی، بکار نرفته است. تساوی حقوق همه این مسلمانان غیر شیعه، بویژه از آنجا اهمیت ویژه‌ای کسب میکند که آنان در ضمن بسیاری از خلق‌های غیر فارس ساکن میهن واحد ما ایران، نظیر کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و اغلب عرب‌ها را در بر میگیرد. باین حقوق مساوی توجهی نشده است. همین خود با اهمیت و حساسیت موضوعی می‌افزاید و مسئله را از چهارچوب رسمیت مذهبی در مورد مسلمانان غیر شیعه خارج میکند و بآن بعدی میبخشد در حدس نوشت انقلاب، همه بیاد دارند که نظر و عقیده نماینده بلوچستان، که رهبر مذهبی سنی این استان نیز هست، تا آنجا از جانب گروه نیرومند گرداننده مجلس خبرگان نادیده گرفته شد، که بموقع بحث این ماده، مجلس بحال تشنج درآمد و نماینده مزبور با بیان مخالفت خود تصویب کرد که میخواهند با تکیه با کثرتی که حاصل است، رأی گیری و نقض حقوق کنند. این نماینده بعد هم ناگزیر شد که شخصاً بحضور امام به‌قم رود. و همه میدانند که چند روز بعد، در زاهدان تظاهراتی وسیع، حتی علیه خواست و سفارش این نماینده در مجلس خبرگان، صورت گرفت. شک نیست که با دوراندیشی بیشتر و با توجه به حقوق خلقها و صاحبان سایر ادیان و مذاهب، میشد قبل از وقوع حادثه، بقول مجاهد فقید طالقانی، پیشگیری کرد تا نیازی به پس گرفتن، بهنگام بروز حوادث بهرانی نیفتد.

درباره وضع زندگی کارگران کوره‌پزخانه‌های عادل آباد شیراز

اخبار کارگری

بعد از انقلاب هر کس میرود در محل زندگی کارکنند. همین کارگر میگفت، «اگر بخوایم به مرخصی بروم، باید شخصی را بجای خود بگذارم و خودم حقوق به او بدهم و بروم.»

کارگر کوره‌پزخانه معمولاً «هنراری» حقوق میگیرند. این کارگران برای آنکه تمامی مزد یک قسمت را به خانواده خود اختصاص دهند، زن و بچه خود را نیز به کار میکشند. و نیز در یکی از همین کوره‌ها، چرخشکی بچه‌های ۱۲، ۱۳ ساله خود را نیز، که در تابستان بیکار بودند، به کار واداشته بود. این شخص میگفت، «کار فرما باید به ما حق اولاد، ۱۲ روز تعطیل در سال و تعطیل جمعه‌ها را بدهد، چون دستور امام است.» این شخص تصمیم دارد زمانی که کار چرخشکی تمام شد، برای شکایت از کار فرما اقدام کند. کار چرخشکی مخصوص تابستان است.»

خواسته‌های این کارگر، خواست سایر کارگران کوره «فرزان» نیز هست. علاوه بر آن کارگران کوره «فرزان»، خواهان دریافت حقوق سه‌ماه تعطیل کوره در دوران انقلاب هستند. یکی از این کارگران میگفت، «طبق قولی که کار فرما داده بود، قرار شد این مبلغ را بدهد، اما فقط دو هفته به قول خود وفا کرد.»

در عادل آباد شیراز، کوره‌پزخانه‌هایی وجود دارد که حدود ۱۰۰ نفر کارگر در آنها مشغول کارند. کارگران چرخشکی (با اندک تفاوت در کوره‌های مختلف) برای هر هزار آجر مبلغ ۱۷۵ ریال دریافت میکنند، که این دستمزد بر حسب آجرهایی که از کوره سالم بیرون می‌آید، محاسبه میشود. در این قسمت (چرخشکی) معمولاً در کوره‌های مختلف از ۴ تا ۶ نفر کار میکنند و مبلغ ۱۷۵ ریال بابت هر هزار آجر بین آنها تقسیم میشود و بطور متوسط هر کارگر چرخشکی در روز ۷۰ تومان مزد میگیرد. کار فرما برای کار آجرپزی هر هزار آجر، ۱۰ تومان پرداخت میکند که به هر کارگر کوره بطور متوسط در روز حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومان میرسد.

یکی از کارگران آجرپز کوره «فرزان»، که تیریزی بود، در آرزوی بازگشت به «وطن» و کار کردن در شهر خود بود. او میگفت، «میگویند

سوگندنامه جدید

«سازمان نوسازی و عمران اراضی غرب تهران وابسته به بنیاد علوی، سوگندنامه‌ای را به امضاء کارگران خود رسانده است، که طبق ماده ۴ آن، کارگر متعهد میشود که:

«در مدت انجام کار هرگاه کارگری از وظایف محوله طفره ببرد، بانصیحت برادرانه او را متوجه مسئولیت شرعی و اخلاقی‌اش بنمائیم و در صورت تکرار، مراتب را به مسئولین کارگاه اطلاع دهیم.»

متأسفانه باید گفت که این ماده از سوگندنامه، خاطره تلخ تمهدنامه‌ها و ردیه‌نویسی‌های زمان شاه مخلوع را بخاطر می‌آورد که کارگران را به خبرچینی و جاسوسی در محل کار و گزارش نویسی و وپاوش دوزی درباره همکاران خود و امید داشتند. باید پرسید که، در محیط یک کارخانه و کارگاه، چه کسی مرزهای مسئولیت شرعی و اخلاقی کارگران را مشخص میکند و این مرزها بر اساس کدام ضوابط تعیین میشود؟

روشن است که هر فردی، بر حسب آگاهی و بینش اجتماعی خود، از مسئولیت شرعی و اخلاقی چیزی میفهمد که ممکن است با استنباط دیگری متفاوت باشد. در نتیجه اجرای این سوگند نامه چنانجوی در کارخانه بوجود می‌آید که هر کسی خود را از معلم و آموزگار دیگری بداند و بخواهد استنباط خود را از مسئولیت شرعی و اخلاقی بدیگری تحمیل کند. در چنین محیطی، بازار پرورنده‌سازی و وپاوش دوزی رواج خواهد یافت و هیچ کارگری تأمین نخواهد داشت.

وظیفه کارگری و اخلاقی هر کارگر در کارخانه عبارت از انجام وظایفی است که قانون کار برای او تعیین کرده است. تقسیم این وظیفه به مسئولیت شرعی و اخلاقی، تفسیر مهمی است که فقط میتواند دستاویز کارفرمایان برای مجازات و اخراج کارگران مبارز و حق طلب گردد.

اگر کارگری بوظایف کارگری خود عمل نکند و یا بوظایف اخلاقی خود در محیط کار بی‌اعتنا بود، این فقط وظیفه سندیکی کارگری است که بوضع او رسیدگی و پس از اثبات مسامحه و تخلف درباره‌اش تصمیم بگیرد و هیچ فرد یا مرجع دیگری حق گزارش دهی و تصمیم گیری درباره کارگر متخلف را ندارد.

نمونه برداری از شیوه‌های زشتی که رژیم منحط گذشته برای کسب اطلاع از روحیات و معتقدات کارگران بکار میبرد، در شان انقلاب ما نیست و نباید اجازه داد که اینگونه شیوه‌های مردود، از نورد محیط کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، احیاء شود.

تشکر

هفته نامه «سوگند»، ارگان مرکزی «اتحاد دمکراتیک مردم ایران»، فعالیت مجدد «مردم» را، در آغاز سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، شادباش گفته است. از کارکنان «سوگند» به این مناسبت صمیمانه تشکر میکنم.

«مردم»

«مردم»

ارگان مرکزی حزب توده ایران
نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۳۴۵۹
چاپ، کاویان

شماره اول ۱۳۵۸

دینا

نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی حزب توده ایران
منتشر شد

همین مطلب در مورد اصل دوازدهم، که مربوط به صاحبان سایر ادیان - زرتشتیان و مسیحیان و کلیمیان است - نیز صدق میکند. بحث‌ها در این مورد نیز کم نبود. کافیت بگوئیم که کلیه نمایندگان اقلیت‌های مذهبی غیر مسلمان، که در مجلس خبرگان نمایندگی دارند، این ماده را کافی ندانستند و به آن رأی مخالف دادند. پیشنهادهای گوناگون آنها برای تصحیح و تکمیل متن مورد نظر یکی پس از دیگری رد شد و مجلس زیر فشار گروه نیرومند و بقول «گروه سایه» حاضر نشد نظر و عقیده آنان را مورد توجه قرار دهد. نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس خبرگان تا کید داشتند که در بسیاری موارد، تفاوت دینی همراه است با تفاوت قومیت و زبان و فرهنگ قومی، آنها لزوم صلاحیت شوراهای دینی مربوطه را خطای نشان می‌ساختند. امام مجلس خبرگان نه تنها در جهت مثبت، بنا به خواست‌های حقه آنان، چیزی نداد، بلکه نسبت به پیش‌نویس قبلی، تغییر عمده‌ای که حاصل شده اینست که، آزادی انجام مراسم دینی در حدود مقررات اسلامی مجاز شناخته شده، در حالیکه این قید در پیش‌نویس نبوده است. مسلم است که این قید در جهت حفظ منافع و حمایت اقلیت‌های مذهبی، که بخش جدائی‌ناپذیری از مردم ایران هستند و فعالانه در انقلاب مشارکت داشتند نیست.

اسناد حزبی

دردوران توقیف بدون دلیل «مردم» از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجا که این اسناد، بعلاوه محدودیت‌های موجود، در دسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، بر حسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع کنونی کشور

هم میهنان گرامی!

انقلاب تاریخی مردم ایران، که بدون تردید یکی از بزرگترین حماسه‌های تاریخ معاصر جهان است، به مرحله بفرنجی از تکامل خود رسیده است.

انقلاب ما، بر پایه شرکت واتحاد تقریباً همه مردم کشور، با رهبری قاطع امام خمینی، توانست یکی از مستحکم‌ترین دژهای امپریالیسم و ارتجاع جهانی را درهم شکند و در مدت نسبتاً کوتاه عمر خود، به ویژه در شش ماه اول پس از پیروزی انقلاب، با برانداختن رژیم استبداد سلطنتی، در جهت تامین استقلال ملی و آزادی، در جهت پایان بخشیدن به تسلط امپریالیستی و صهیونیستی بر همه شئون زندگی و محدود کردن چپاولگری طبقات حاکمه نظام پوسیده سلطنتی، به دست آوردهای چشمگیری نایل آید.

حزب توده ایران که از آغاز پیدایش خود پرچم مبارزه برای استقلال ملی و آزادی و دفاع از منافع زحمتکشان را برافراشت و هرگز بر زمین ننگداشت، دوش به دوش سایر نیروهای ملی و آزادیخواه در این انقلاب شرکت کرد. حزب توده ایران بدون تزلزل تمام نیروی خود را در جهت پشتیبانی از رهبری قاطع امام خمینی و در راه تحکیم و گسترش اتحاد همه نیروهای انقلابی، به ویژه نیروهای انقلابی که زیر پرچم مذهب مبارزه می‌کردند، با نیروهای راستین چپ به کار انداخت. حزب توده ایران با هر گونه تفرقه‌اندازی، چه از سوی چپ‌گرایان افراطی و چه از جانب راست‌گرایان انحصار طلب، مبارزه کرد و چهره کریه نفاق افکنان حرفه‌ای ضد انقلابی را، که زیر ماسک‌های «چپ» و راست در میان انقلابیون رخنه کرده و می‌کنند، افشا نمود.

پیروزی انقلاب ایران به مواضع دشمنان اصلی و واقعی میهن ما، یعنی امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم بین‌المللی و بازماندگان رژیم وابسته پهلوی ضربه سنگینی وارد ساخت و منافع آنان را در ایران و در منطقه آزریش به خطر انداخت. این دشمنان زخم خورده، مولی‌از یاد نیاورده مردم ایران، از همان آغاز، سرچشمه قدرت خلق را، که اتحاد همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع بود، شناختند و تمام نیروی اهریمنی خود را برای خشکاندن این سرچشمه قدرت، برای متلاشی کردن این اتحاد، برای ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، برای افروختن جنگ برادر کشی بین خلق‌های ایران به کار انداختند.

حزب توده ایران، با آموزشی که از درس‌های تاریخی میهن ما گرفته است و با شناخت درستی که از امپریالیسم و صهیونیسم دارد، این دسیسه‌ها و توطئه‌های ضد انقلابی را به موقع و بروشنی دید و بارها و بارها، طی نامه‌های سرگشاده و در نشریات خود، درباره خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند، زنهار داد. با کمال تاسف آنچه ما پیش‌بینی می‌کردیم، اینک صورت واقعی به خود گرفته است.

در چند هفته گذشته چرخشی جدی در سیاست داخلی کشور انجام گرفت و با این چرخش، جو جدیدی در زندگی سیاسی و اجتماعی میهن ما حکم فرما می‌گردد. آن آزادی که از جانب رهبری انقلاب، هم پیش از انقلاب و هم پس از پیروزی انقلاب، وعده داده می‌شد و در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب تاحد زیادی مراعات می‌گردید، یکباره و به طور نکرانی آوری محدود و در برخی زمینه‌ها برچیده شد.

واقعیت اینست که این چرخش ناگهانی نبود. این چرخش نتیجه تحول تدریجی است که در ماه‌های اخیر در سیاست انجام می‌گرفت و محتوی آن عبارت بود از یک گرایش به راست در همه زمینه‌های سیاست داخلی، خارجی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی. محصول این گردش به راست و چرخش ناشی از آن رادر زمینه‌های گوناگون به صورت زیرین می‌توان دید:

۱- آزادی‌های فردی و اجتماعی

به طور کلی حمله به آزادی‌های فردی و اجتماعی، که در ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب محدود بود، با آغاز فعالیت انتخاباتی برای مجلس خبرگان شدت گرفت. گروه‌های بی - مسئولیت، که بوسیله افراطیون راست تجهیز می‌شدند، در سراسر ایران نیروهای مخالف خود را مورد حمله قرار داده، با کتاب‌سوزی، تخریب و غارت مراکز فعالیت و ضرب و جرح آنها مانع از آن می‌شدند که این نیروها بتوانند از آزادی‌های اعلام شده به وسیله رهبری انقلاب برای توضیح نظریات خود به مردم، استفاده کنند. ساواکی‌ها و سایر عمال ضد انقلاب هم این فرصت را غنیمت شمردند و در صفوف حمله‌کنندگان رخنه کردند و در بسیاری از موارد رهبری عملیات آنان را بر عهده گرفتند. به ویژه سازمان‌ها و کتابفروشی‌های حزب توده ایران و دفاتر «مردم» ارگان مرکزی حزب

فعالین حزب در جریان تبلیغات انتخاباتی و همچنین رای دهندگان بسود کاندیداهای حزب توده ایران. وسایر گروه‌های ملی و آزادی‌خواه هدف این حملات بودند. این حمله با توقیف بسیاری از روزنامه‌ها باوج خود رسید. دادستان انقلاب مرکز، به موازات توقیف برخی از نشریاتی که در گذشته به رژیم سرنگون شده پهلوی وابستگی داشتند، کلیه روزنامه‌ها و نشریاتی را نیز که مطابق سلیقه و سیاست افراطیون راست نبود، توقیف کرد. در مورد حزب توده ایران دادستان از این هم فراتر رفت و دبیرخانه مرکزی حزب را هم مهر و موم نمود. به پیروی از این تصمیم نادرست و غیر عادلانه، که هیچ گونه دلیلی برای آن وجود نداشت، در شهرستان‌ها نیز هجوم گروه‌های تحریک شده به سازمان‌های حزب، و مراکز فروش نشریات ما و دفاتر «مردم» آغاز شد و تا آنجا پیش رفت که در کرمانشاه دو نفر از اعضای حزب توده ایران، رفقا آذرنوش مهدویان و شیانی و همچنین مبارز سرشناس گرجی یانی، که مطلقاً ارتباطی با حوادثی که در کردستان می‌گذشت، نداشتند، بازداشت و پس از چند ساعت، بدون محاکمه اعدام شدند. این افراد از خوشنام‌ترین جوانان مبارز کرمانشاه بودند. در مورد آذرنوش مهدویان، تنها اقرارانی صاحب محلی که او برای دبیرخانه سازمان جوانان و دانش-جویان دمکرات ایران که کوچکترین ارتباطی با حوادث پاره و کردستان نداشته است کرایه کرده، کافی بوده است تا حاکم شرع، بدون کوچکترین رسیدگی، حکم اعدام او را صادر کند. در قصر شیرین، شیراز، اصفهان، رشت، تبریز، مشهد و بسیاری از شهرهای دیگر مراکز حزب، مورد هجوم و تخریب و آتش‌سوزی قرار گرفت و هیچ مرجعی هم تاکنون به شکایات مادر این زمینه رسیدگی نکرده است. در همان حال، علیرغم دستورات مکرر امام در زمینه آزاد گذاشتن فروش کتاب و نشریات، دادستان انقلاب مرکز به پیاپی پانزده تعطیل و توقیف آن‌ها - اخطار کرده است که از چاپ «کتاب ضاله» خودداری کنند، بدون آنکه توضیح دهد که «کتاب ضاله» کدامند و معیار «ضاله» بودن چیست؟ در ارتباط با این بخشنامه، روزنامه انقلاب اسلامی، در مقاله‌ای زیر عنوان «پسارگویا ویر معنای «کتاب و نشریات مضره! افهی خطرناکی که باز سر بلند می‌کند» خطاب به دادستان انقلاب مرکز نوشت:

«شمارا یخدا و همه مقدسات عالم قسم، بدانید که شما قبل از هر چیز مدافع اسلامید و اسلام نزد دوست و دشمن به عنوان دین آزادی نشر شناخته شده و ما افتخار می‌کنیم در دامان فرهنگی پرورش یافته‌ایم که از واقلم و ما یسپرون سیراب شده است. به دشمن بپانه ندهیم. مردم را عاقل و باطن دگرگونی‌های انقلابی در همه شئون زندگی اجتماعی نبرد کردند و در این راه ده‌ها هزار شهید برجای گذاشتند، آشکارا مغایرت دارد. باید به روشنی گفت که این اقدامات با همه وعده‌های رهبر انقلاب، امام خمینی، در زمینه تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی - به استثناء آزادی توطئه - آشکارا مغایرت دارد. با این اقدامات ممکن است آرامش ظاهری را در کشور برقرار ساخت، ولی آرامش واقعی که متکی به اتحاد آگاهانه و داوطلبانه همه نیروهای باشد که هوادار تثبیت و تحکیم گسترش دست آوردهای انقلاب تاریخی مردم میهن ما هستند، هرگز از این راه به دست نخواهد آمد.

مطلب به اندازه کافی گویاست. ولی تکلیف مردم چیست؟ دل خود را به دفاع روزنامه انقلاب اسلامی از آزادی نشریات و آزادی نشر افکار و عقاید در جمهوری اسلامی خوش کنند و یا بخشنامه‌های دادستان انقلاب مرکز را مبنای کار خود قرار دهند؟ باید به روشنی گفت که اقداماتی از این قبیل با آمال و آرزوهای توده‌های میلیونی مردم میهن ما، که برای آزاد شدن از یوغ استبداد منفور و جنایت‌بار شاهنشاهی پهلوی خاستند و برای دگرگونی‌های انقلابی در همه شئون زندگی اجتماعی نبرد کردند و در این راه ده‌ها هزار شهید برجای گذاشتند، آشکارا مغایرت دارد. باید به روشنی گفت که این اقدامات با همه وعده‌های رهبر انقلاب، امام خمینی، در زمینه تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی - به استثناء آزادی توطئه - آشکارا مغایرت دارد. با این اقدامات ممکن است آرامش ظاهری را در کشور برقرار ساخت، ولی آرامش واقعی که متکی به اتحاد آگاهانه و داوطلبانه همه نیروهای باشد که هوادار تثبیت و تحکیم گسترش دست آوردهای انقلاب تاریخی مردم میهن ما هستند، هرگز از این راه به دست نخواهد آمد.

محدود کردن آزادی عقیده، بیان و انتقاد، بستن زبان مبارزان راستین و هواداران واقعی انقلاب موجب میشود که فساد در دستگاه حاکمه به سرعت رشد کند. تظاهر گروهی از روحانیان مبارز اصفهان علیه آراء دادگاه‌های مخصوص رسیدگی به جرائم روحانیان، بیدارباش دردناکی است که گوشه‌ای از آنچه را که در انتظار مردم ایران است - در صورتی که آزادی عقیده، بیان و انتقاد سرکوب شود - نشان می‌دهد. هم‌اکنون در همه محافل از رشوه‌گیری‌های کلان در بسیاری از مقامات رسیدگی به جرائم وابستگان به رژیم سابق گفت‌وگو است. محدود کردن آزادی به منزله باز کردن زنجیر ازدست و پای گرگ‌های فساد در همه زمینه‌هاست.

۲- حوادث دردناک کردستان

حوادث اخیر کردستان ظاهراً بطور غیرمنتظره، به دنبال حادثه پاره، که بدون شك دست‌های ناپاک عمال امپریالیسم و صهیونیسم در آن خالت داشته‌اند، روی داد. ولی در واقع جریان به مراتب عمیق‌تر از آن است که در سطح دیده می‌شود.

مسلم است که با پیروزی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مواضع بسیار مهمی را در منطقه ازدست دادند. برای بازگرفتن این مواضع، این دشمنان اصلی و واقعی مردم ایران از همان لحظه پیروزی انقلاب - و شاید مدت‌ها پیش از آن - کوشیدند تا از دروازه: یکی از راه نفوذ دادن عمال خود در کردستان و دیگری از راه عمال و هواداران خود در دستگاه دولتی و مراجع قدرت، خواست طبیعی و عادلانه خلق کرد در مورد خودمختاری اداری و فرهنگی در چارچوب وحدت ملی، تمامیت ارضی و انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران را به صورت یک تضاد آشفتنی ناپذیر در آورند. در این‌جا تنها یک نمونه از عواقب شوم این سیاست جنایت‌بار را یادآور می‌شویم: جنایت قارنا. روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله شماره ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ خود زیر عنوان «در سوگ قارنا» نوشته است:

«در میان نابآوری و بهت خبر شدیم که به دهی کردنشین حمله و عده بسیاری را قتل‌عام کرده‌اند. قتل‌عام زن و کودک و پیر مرد بی‌دفاع! روشن است که این گونه جنایات تنها به دست عمال امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی صورت می‌گیرد، که اینک زیر پرچم دروغین «دفاع از اسلام» مردم مسلمان بی‌دفاع را قتل‌عام می‌کنند. اعدام بی‌گناهان در کرمانشاه، قتل‌عام در قارنا و ده‌ها حادثه غم‌انگیز و «بهت‌انگیز» و «باورنکردنی» دیگر، نخستین میوه‌های تلخ و مسوم‌کننده درخت انحصارطلبی و اولین نتایج دردناک و خطرناک سرکوب آزادی است.

حزب توده ایران سخنان مجاهد فراموش نشدنی، آیت‌الله طالقانی، را در خطبه نماز روز ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ در این زمینه کاملاً تأیید می‌کند. وی گفت:

«در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما به‌جای پس‌گیری پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به سندی رفتم با دوستانمان، عمل می‌کردیم، در حفظ رحمت و در برقراری رحمت، با این‌ها تماس می‌گرفتیم و بندها را از این‌ها برمی - داشتند، بندهای که از طرف رژیم به آن‌ها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت به آن‌ها تحمیل کرده بود، شاید این مسائل پیش نمی‌آمد و یا کم‌تر پیش می‌آمد»

در حوادث کردستان تاکنون صدها نفر از مردم زحمتکش شهر و روستا، که اکثریتشان کوچک‌ترین دخالتی در این حوادث نداشته‌اند، به خاک و خون غلطیده‌اند، هزاران نفر از خانه و کاشانه آواره شده‌اند و ده‌ها نفر بدون کوچک‌ترین جرمی اعدام گردیده‌اند. ظاهراً آرامش برقرار شده است. ولی تاریخ صد ساله اخیر جنبش‌های ملی در سراسر جهان و در همین کشور ما ایران، ده‌ها و ده‌ها بار نشان داده است که با این گونه «آرامش‌ها» و با تبلیغات پسر و صدای هواداران این گونه «آرامش‌ها»، مسئله خلق کرد و مسائل نظیر آن در سراسر ایران حل نخواهد شد. تنها زخم دردناک تازه‌ای به زخم‌های موجود افزوده شده است. اگر در راه بر آوردن خواست‌های به حق کارگران و زحمتکشان ایران و دهقانان محروم ایران، در راه پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیر فارس در چهار گوشه کشور ما، گام‌های مؤثر و امید بخش برداشته نشود، پاکستن، اعدام، تبعید، زندان، اخراج، باج‌ب آتش‌زا و بمب‌افکن فاقوم و هلیکوپتر کبرا می‌توان موقتاً آرامش گورستان را برقرار کرد، ولی دردهای اجتماعی را نمی‌توان درمان نمود.

در حوادث کردستان، با نتایج دردناکش، نکته‌های تاریک بسیاری وجود دارد که توجه به آن‌ها شایان اهمیت است. و همین نکات تاریک است که نکرانی هواداران راستین انقلاب ایران را دوچندان می‌کند. این نکات تاریک تا آن حد است که حتی در ارزیابی عالی‌ترین مقامات مسئول اختلاف جدی دیده می‌شود. مثلاً آقای وزیر کار با صراحت اظهار داشته است که در مورد کردستان گزارش‌های دروغ به امام داده شده است. آقای نخست‌وزیر هم در سخنرانی تلویزیونی خود اشاره‌ای در همین زمینه در مورد حوادث سقز و یا سندیج داشته است. روزنامه کیهان انگلیسی، که سقز و یا سندیج معینی از هیئت حاکمه کنونی منتشر می‌شود، بدون هیچ دلیلی اتحاد شوروی را متهم کرده است که در کردستان اسلحه پخش کرده است. هفته‌نامه «زن روز» هم، که از همان بقیه در صفحه بعد

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره وضع کنونی کشور

بقیه از صفحه ۴

دستگاه «کیهان» بیرون می آید، باین پروا می بینیم اتهام راکتار کرده است. درحالی که آقای پروفیسور مکرری، سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی، ضمن تاکید دخالت مسلم صهیونیسم در ایجاد حوادث کردستان، صریحا اعلام می دارد که برای دخالت اتحاد شوروی در حوادث کردستان هیچ گونه دلیلی وجود ندارد.

همه این ها گویای این واقعیت است که هدف عمده امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، که از دوطرف کوشیدند مسئله کردستان را به برادر کشی بکشاند، این بوده است که با صحنه سازی و دروغ پردازی، با کمک عالیشان درسفاهت های گروهی دولتی و غیر دولتی، سمت گیری انقلاب ایران را، که به طور روشن علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و کارگزاران ایرانی آن ها بود، تغییر جهت داده، مردم را متوجه یک دشمن خیالی به نام «کمونیسم» سازند و سرانجام شعار «مرگ بر سه مفسدین - کاتر و سادات و بکین» را از صحنه سیاست ایران خارج کنند و آن را با شعار گمراه کننده و تفرقه اندازنده «اسلام پیروز است - چه نابود است» جانفین سازند. خلاصه آن که برتن گرگ های درنده آمریکائی و صهیونیستی لباس بره ببوشانند و نیروهای چه وفادار به انقلاب را، که ده ها سال است با مبارزه خستگی ناپذیر خود و بهای تبعد و زندان و شکنجه و مرگ از استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و منافع توده های میلیونی محرومان جامعه ما دفاع کرده اند، مورد هجوم قرار دهند و قلع و قمع کنند. باید گفت که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و کارگزاران ایرانی آن ها، در لحظه کنونی، به یکی از مهم ترین هدف های استراتژیک خود، یعنی ایجاد شکافی عمیق در جنبه متحد نیروهای ملی، جبهه ای که انقلاب تاریخی مردم ایران را به پیروزی رساند، نائل آمده اند.

۴- جریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی - تشدید گرایش برای احیاء نزدیکی و وابستگی به امپریالیسم آمریکا

یکی از مهم ترین پی آمدهای تحول دوران اخیر و چرخش کنونی را در جریان بازسازی ارتش و سایر نیروهای انتظامی می توان دید. از همان آغاز انقلاب، دوفطر برای بازسازی ارتش - و دقیق تر - برای ایجاد ارتش جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد. نظر هواداران راستین انقلاب این بود که «ارتش شاهنشاهی» که تنها به منظور سرکوب جنبش خلق و ایفاء نقش ژاندارم منطقه به وجود آمده، تربیت یافته و مسلح شده است، نمی تواند به عنوان ارتش خلقی جمهوری اسلامی ایران تغییر شکل پیدا کند. تنها با به فرستادن چند سرتیپ و سرلشکر نمی توان «ارتش شاهنشاهی» را به ارتش خلقی مبدل ساخت. باید ارتش را به طور بنیادی تجدید سازمان کرد و پیش از هر چیز آن را از همه سرسپردگان رژیم گذشته در همه مراتب پاک سازی نمود. کسانی هم بودند و هستند که با نقشه سرکوب مبارزات آینده توده های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا برای خواست هایشان، می کوشیدند و می کوشند «ارتش شاهنشاهی» را هر چه زودتر بهمان شکل سابق بازسازی کنند و حتی وابستگی آن را به امپریالیسم آمریکا، از لحاظ سازوبرگ و جنگ افزار و مستشارها دوباره احیا کنند.

این کوشش در ماه های اخیر بصورت مبارزه مخفی دو جریان در مقامات حاکمه کشور مشهود بود. این برخورد دوفطر در روزنامه انقلاب اسلامی، که مسلما از جریانات پشت پرده مطلع است، بازتاب یافت. این روزنامه، در سلسله مقالاتی زیر عنوان «انقلاب امام» از جمله درباره بازگرداندن مستشاران آمریکائی موضع گیری نموده و نتیجه گیری کرد که:

«بماطلبی که در بالا عنوان شد، آیا این دلیل که چون خرج زیادی برای خرید این سلاحها شده است، باید کارشناسان، آنها را با حقوق های گزاف باشند، دلیل موجهی است؟ این ها خطراتی هستند که وجود این کارشناسان برای کشور ما دارند. بردولت است که مسائل را برای همه مردم روشن کرده و پیش از این آنها را در ابهام نگذارند.»

جریان بازسازی ارتش بر مبنای کهنه، یعنی احیاء وابستگی گذشته به امپریالیسم آمریکا، جزئی از مجموعه تلاش هایی است که از طرف محافل امپریالیستی آمریکا برای بازگرداندن وضع گذشته، بدست هواداران نزدیکی به سیاست آمریکا، بعمل می آید. این سؤال پیش می آید که: آیا تدارک حوادث کردستان و دادن گزارش های دروغ به امام خمینی (به گفته آقای وزیر کار) و تهیه گزارش های رنگارنگ دیگر از جانب سایر مقامات دولتی، همه برای رسیدن بهمان هدف اصلی، یعنی زمینه سازی برای توجیه لزوم احیاء وابستگی سیاسی و نظامی به امپریالیسم آمریکا نبوده و نیست؟ در همین زمینه، این نگرانی هم بوجود می آید که: آیا برای تقویت همین توجیه، در آینده بازم توطئه های دیگری ترتیب داده نخواهد شد؟ به نظر ما احتمال زیاد باید در انتظار چنین توطئه هایی بود.

این پرسش پیش می آید که: چرا برنامه تصفیة ارتش از عناصر سرسپرده به رژیم سرنگون شده، هنوز بموقع اجرا در نیامده است؟ این پرسش پیش می آید که: با وجود پیوستن رسمی ایران به جرمگه کشورهای غیر متعهد، چرا هنوز قرارداد ننگین دوجانبه نظامی ایران و آمریکا لغو نشده و از سوی چه نیروها و عواملی با تمام قوا در نگهداری آن کوشش بعمل می آید؟

وبالاخره این پرسش پیش می آید: آیا همه پدیده های نام برده در بالا اجزاء یک دسیسه خطرناک امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه انقلاب ایران نیستند؟

تاریخ نزدیک به چهل سال اخیر مبین ما و بسیاری از کشورهای جهان، ده ها بار نظایر این گونه دسیسه ها را در برابر مردم جهان به نمایش گذارده است.

۵- گرایش به راست و چرخش انجام گرفته، در درجه اول پی آمد تشدید مبارزه طبقاتی است

همان طور که امام خمینی بارها باروشنی اعلام داشته اند، محرومان شهر و روستا، کارگران، دهقانان، دانش جویان، دانش آموزان، کسبه خرده پا و بازاریان، یعنی گروه عظیم و ده ها میلیونی همه خلق های ایران قیام کردند علیه استبداد، علیه غارتگری و استبداد به امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست ها، برای رسیدن به خواست های حق خود، یعنی استقلال ملی، آزادی، عدالت اجتماعی، برای پایان دادن به فقر و بیسوادی و... یعنی همه آن چیزهایی که جمهوری اسلامی به آن ها وعده می داد.

روشن است که بر آوردن این خواست ها، منافع امپریالیست ها و طبقات حاکمه وابسته، یعنی سرمایه داران بزرگ و زمینداران کلان رانفی می کند و سودجویی و غارتگری عناصر طبقاتی را به میزان زیادی

محدود میسازد. یعنی بطور طبیعی، پس از پیروزی انقلاب، نبرد طبقاتی درمی گیرد و هر روز شدت پیدا می کند. در گزارش هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی (اسفندماه ۱۳۵۷) به روشنی گفته شده است:

«جنبش ما با مسائل بفرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای مهمی را در دستگاه دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده و از در آشتی با جنبش در آمده اند، تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جایزند و اهرم های فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره بایک توطئه خائنانه جنبش را غافلگیر کرده سرکوب نمایند. مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بود، می کوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلاب ها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب روبرو گرداند و با باقی مانده های نیروهای ضد انقلابی سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان به کار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مبین ماهم همین پدیده ها رشد کند.»

در نتیجه فرار غارتگران کلان و مقاومت سرمایه داران بزرگ و زمین خواران، شورای انقلاب و دولت موقت بر آن شدند که با اتخاذ یک رشته تصمیمات، خرابکاری این غارتگران را خنثی سازند. ملی کردن بانک ها، ملی کردن شرکت های بیمه، ملی کردن صنایع کلیدی و تأسیسات بزرگ متعلق به وابستگان رژیم سرنگون شده، مصادره باقی مانده اموال خاندان پهلوی و وابستگان درجه اول به رژیم سابق در مقابل بدهی چند میلیاردی آنان به بانک ها، تدارک مقدمات سلب مالکیت از زمین های موات شهری و برخی دیگر از این گونه تصمیمات ضروری که متأسفانه خیلی دیر گرفته شد، بطور کلی مفید بودند و در صورت اجرای دقیق و بی خدشه مؤثر خواهند بود. ولی علیرغم این تصمیمات و با این که سرمایه داری بزرگ زخم برداشته، ولی از این دریامده است و با امکانات عظیمی که دارد، هنوز فعالانه می کوشد تا مواضع خود را حفظ کند و مواضع از دست رفته را دوباره بدست آورد. این قشر، بوسیله کارگزاران خود در تمام دستگاه های دولتی و اقتصادی و حتی در مقامات بالائی قدرت، می کوشد از راه های گوناگون چوب لای چرخ بازسازی و توسعه اقتصاد کشور بگذارد. امپریالیست ها هم با تمام امکاناتشان از این سیاست پشتیبانی می کنند. این قشر، با نفوذ و با کمک باقی مانده قدرت مالی عظیم خود و با بهره گیری از امکانات زیادی که در دستگاه های تبلیغاتی و اجرایی دارد، می کوشد این طور صحنه سازی کند که گویا زحمتکشان مقصر اصلی در ادامه وضع بحرانی کنونی هستند و برای از بین بردن بحران باید به محدودیت های جدی در زمینه حقوق صنعتی و اجتماعی و سیاسی زحمتکشان دست زد و به خواست های به حق آنان با اعمال زور، اخراج و حتی زندان پاسخ داد.

بدون شك در صورتی که دولت موقت نتواند و یا نخواهد ریشه اصلی مشکلات کنونی را، که در آزادی همچنان بی بند و بار سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته است، بخشاند، نخواهد توانست بر این مشکلات غلبه کند. خشکاندن این ریشه ها هم تنها راه از این راه ممکن است که دولت به توطئه های زحمتکش شهر و روستا تکیه کند و خواست های به حق آنان را بر آورد.

دولت باید در بخش تولید صنعتی اداره واحدهای ملی شده راه شورای انتخابی از کارگران و مهندسان و کارمندان اداری، که با اختیار و با مسئولیت باشند و از کمک های مادی دولت برخوردار گردند، واگذار کند. دولت باید در این راه از تمام نیروی کار موجود جامعه، که وفادار به انقلاب اند، صرف نظر از موضع گیری های سیاسی و ایدئولوژیک آنان، استفاده کند.

اخراج کارگران و مهندسان به اتهام «چپ بودن»، که در هفته ها و روزهای اخیر در بسیاری از کارخانه های ایران از طرف راست گرایان انحصار طلب صورت می گیرد، خطری بزرگ در بر دارد. این اقدامات بازتاب این واقعیت اجتماعی است که سرمایه داری متوسط و کوچک و خرده بورژوازی مرفه، در مقابل مطرح شدن خواست های حقه زحمتکشان و محرومان شهر و روستا مقاومت بخرج میدهند و بر آوردن کامل این خواست ها را مخالف منافع خود میدانند و می کوشند بر آوردن این خواست ها را در چارچوب حداقل ممکن محدود سازند. به همین جهت آنان هوادار مشت محکم، تمرکز قدرت، انحصار قدرت اند و به سازش با سایر نیروهای ضد زحمتکشان گرایش نشان می دهند. ولی همان طور که مجاهد فقید آیت الله طالقانی با صراحت می گفت، مردم زحمتکش ما، از انقلابی که با خون هزاران نفر از جوانان و برادران خویش به پیروزی رسانده اند، انتظارات به حقیق دارند.

کارگران شهر، که بخش مهمی از آنان در حصار آباد ها، حلبی آباد ها، زورآباد ها و زرافه ها زندگی رقت باری را می گذرانند، می خواهند که انقلاب ایران شرایط زندگی دشوار و طاقت فرسای آنان را بطور بنیادی بهبود بخشد و از شدت غارتگری و استثمار بکاهد. آنان برای سکونت خانواده خود مسکن، برای آموزش فرزندان خود مدرسه، برای سلامت خود و خانواده پزشک و دارو و برای زندگی درآمد بیشتری و آب ارزان تر می خواهند.

دهقانان بی زمین و کم زمین می خواهند که ابتدائی ترین وسیله برای ادامه حیات، یعنی زمین و آب و کود و اعتبار و... در اختیار بقیه در صفحه بعد

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع کنونی کشور

بقیه از صفحه ۴

آنان گذاشته شود. این خواست تنها با انجام اصلاحات ارضی و بنیادی و خلقتی و پیش گرفتن سیاست پشتیبانی همه جانبه از منافع دهقانان زحمتکش می تواند برآورده شود. میلیون ها دهقان در روستاهای عقب مانده، مدرسه و پزشک و دارو می طلبند.

درست است که بر آوردن این خواست ها، با مشکلات عظیمی که به برکت سیاست غارتگرانه و ضد ملی رژیم پهلوی به ارث رسیده - و خرابکاری بازماندگان رژیم پهلوی شده آنرا تشدید می کند - در مدت کوتاه میسر نیست. ولی آنچه مهم است می تواند توده های میلیونی زحمتکش را با نشان دادن صبر و حوصله، به کار خلاق بکشاند، سمت گیری قانع کننده دولت در جهت بر آوردن این خواستهاست. زحمتکشان درک نیرومندی دارند و خیلی زود متوجه میشوند که سمت گیری اساسی دولت و مقامات حاکمه در جهت تامین خواست های به حق آنان است یا در جهت مخالف آن. زحمتکشان، که با گوشت و پوست خود هر روز استثمار را حس می کنند، بخوبی درمی یابند که آیا دولت جمهوری اسلامی برای برانداختن استثمار گام بر میدارد یا آن که درصداست لباس تازه ای برای همان استثمار گذشته بدوزد. زحمتکشان اگر احساس کنند که مقامات حاکمه در راه تخفیف بنیادی استثمار و باسنت گیری به سوی پایان دادن به استثمار - در عمل و نه در حرف - گام برمی دارند، با تمام نیروی خود از آن پشتیبانی خواهند کرد. با وعده های بدون پشتوانه واقعی و یا با کمک اقدامات انضباطی شدید و یا اعمال زور ممکن است زحمتکشان را برای مدتی در گمراهی و یا بی حرکتی نگاهداشت. ولی این موقتی است. بالاخره تلاش برای رسیدن به حقوق حقه، هر جداری را، هر قدر محکم باشد، خواهد ترکند و از راهی بیرون خواهد آمد.

تاریخ همین چند سال اخیر کشور ما به بهترین وجهی این حقیقت بارها تأیید شده تاریخی راه اثبات رسانیده است. تنها و تنها از راه بهبود بنیادی وضع زندگی و بر آوردن خواست های عادلانه و منطقی کارگران و تامین مسکن و بهداشت و فرهنگ برای همه زحمتکشان و محرومان، از راه واگذاری زمین و آب و کود و اعتبار و... به میلیون ها روستائین بی زمین و کم زمین، با انجام زدن به غارتگری سودجویان، با محدود کردن مالکیت و سودبری سرمایه داران و زمین داران، با ریشه کن ساختن همه آثار تسلط امپریالیستی و استبداد سلطنتی در سیاست داخلی، در اقتصاد و فرهنگ، در سیاست امنیتی و خارجی، در زمینه حقوق ملی خلق های ایران می توان استقلال و آزادی را تامین کرد، وحدت ملی و تمامیت ارضی را حفظ نمود و با گام های فرسنگی بسوی عدالت واقعی و پیشرفت اجتماعی رفت.

فردا چه خواهد شد؟

از ما می پرسند که آینده را چگونه می بینیم؟ آینده چگونه تکامل خواهد یافت؟

به نظر ما برای این پرسش، هنوز پاسخ یگانه ای نمی توان داد. زیرا هنوز در درون هیئت حاکمه و در درون توده های میلیونی مردم، مسئله گرایش انقلاب، راه قطعی، نهائی و یگانه خود را نیافته است. درست است که اکثریت سنگین و تعیین کننده مردم هواداران انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی هستند. ولی هنوز چارچوب این انقلاب اسلامی و بازتاب دقیق و مشخص آن در هیچیک از زمینه های سیاسی داخلی، سیاست خارجی، سیاست اقتصادی، آزادی ها و حقوق دمکراتیک، حقوق ملی، حقوق زنان و... روشن نشده است. هنوز بین جناح های مختلف هیئت حاکمه کنونی ایران، که همه رهبری گفت و گو ناپذیر امام خمینی را در حرف می پذیرند، بر سر عمده ترین مسائل حیاتی انقلاب ایران نه تنها اتفاق نظر و وحدت عمل وجود ندارد، بلکه واقعیت حاکی از وجود اختلاف نظر و عمل شدید در بین این جناح ها است.

این اختلاف نظر و عمل میان هواداران تامین خواست های حقه توده های زحمتکش شهر و روستا و مدافعین منافع سرمایه داران و زمین داران بزرگ، میان جناح افراطی و قشری مذهبی و جناح دیگر مذهبی که واقیقت جهان امروز را در مدنظر دارد، میان گروه های راست گرای افراطی انحصار طلب، که حق زندگی برای مخالفان خود نمی شناسند، با گروه های لیبرال، که اسلام را دین آزادی عقاید می دانند، میان هواداران پیگیر استقلال ملی و بریدن هر گونه وابستگی به امپریالیسم مسلط آمریکا و صهیونیسم و آنان که - به هر انگیزه - همکاری با امپریالیسم را برای ایجاد جبهه «ضد کمونیستی» ضرور می شمرند، میان هواداران تجدید سازمان ارتش «نیرومند» و پلیس و ژاندارمری و امنیت بر کرده نیروهای انتظامی رژیم سرنگون شده و طرفداران ایجاد ارتش مردمی و خلقتی و ضد امپریالیستی در حال تکوین است. با آن که در ماه ها و به ویژه در هفته های اخیر نیروهای راست گرا، در همه زمینه ها موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند و مواضع خود را در مقابل نیروهای اعتدالی تر و خلقتی تر محکم کرده اند، هنوز زود است گفته شود که چرخش به راست به طور بازگشت ناپذیری انجام یافته است.

این امکان هنوز وجود دارد که چرخشی که به راست انجام گرفته، در همین حد تثبیت شود و یا احتمالاً کمی به عقب برگردد. چون این امکان هنوز - اگر چه با احتمال کم - وجود دارد، باید نیروهای هوادار آزادی تمام امکانات خود را به کار اندازند و در این جهت، یعنی در جهت بازگرداندن آزادی های گذشته، به طور مؤثر عمل کنند.

مادچار خوش بینی زیاد نیستیم و معتقدیم که چرخش هفته های اخیر محصول برخورد آبی و احساساتی نیروهای حاکم به پیش آمدها و رویدادها نیست و در عمق تضادهای عینی طبقاتی جامعه، ریشه دارد. ولی معذرت ما بر آنیم که نباید هیچ امکانی را از دست داد که بتواند برترمز کردن این چرخش به راست کمک کند. باید با تمام نیرو مانع از آن شد که نیروهای انحصار طلب راست گرا موفق شوند با حادثه آفرینی، رهبری انقلاب را در جهت بازمی گشتن محدود کردن آزادی های فردی و اجتماعی و جادادن همه حقوق اجتماعی در چارچوب درک قشریون راست گرا، تحت تأثیر خود قرار دهند. چنین خطری به طور عینی وجود دارد، تا آن جا که روزنامه انقلاب اسلامی، در شماره ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۸ خود، در مقاله مهمی زیر عنوان گویای زمینه های رشد دیکتاتوری، بیدارباش میدهد و می نویسد:

«همیشه رشد دیکتاتوری از سوء نیت رهبران ناشی نمی شود، بلکه بسیار اتفاق افتاده که عده ای در کمال حسن نیت زمینه های رشد استبداد را فراهم می کنند و بتدریج مبانی فکری بشری و نهادهای جامعه (خانواده، قشون، دیوان سالاری، سازمان صدا اطلاعات، احزاب، مجلس و غیره) را بعد از انقلاب دوباره، با شکل جدید و محتوی گذشته به وجود می آورند.»

ما این خطر را از همان لحظات اولیه جان گرفتن روش های انحصار طلبانه حمله به تظاهرات، روزنامه و کتابفروشیها و تپسیج احساسات مردم مذهبی علیه نیروهای راستین انقلابی دیدیم و گوش زد کردیم. ما امروز هم این بغرنجی را می بینیم و درک می کنیم و بر آنیم که تنها با برخوردی خون سردانه، با بهره گیری عاقلانه از آزادی های محدود موجود و با سیاستی روشن در دو زمینه زیرین، می توان این گرایش به راست را رتزم کرد و نقشه انحصار گران راست گرا را عقیم ساخت.

۱) مبارزه پی گیر و متحد همه نیروهای میهن دوست و آزادی خواه برای بازگرداندن آزادی های فردی و اجتماعی.

۲) پشتیبانی همه جانبه از مواضع ضد امپریالیستی و خلقتی رهبری انقلاب و تلاش برای حفظ و تحکیم این مواضع در همان سمت گیری که امام خمینی پیش و پس از انقلاب ترسیم کرده بود.

در این زمینه ها نیروهای میهن دوست و آزادی خواه باید آنچنان عمل کنند که بهانه های به نیروهای راست گرای افراطی و انحصار طلب داده نشود. این سیاست بویژه از آن جهت حائز اهمیت تاریخی است که هر گونه تحکیم مواضع و سمت گیری انحصار طلبان راست گرا، زمینه را برای پیشروی ضد انقلاب آماده می سازد.

ضد انقلاب - امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی سرنگون شده، بازماندگان سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته و کارگزارانشان - از این گرایش به راست شادند و با تمام نیرو آتش اختلاف بین نیروهای ملی را دامن میزنند. آن ها خوب می دانند که تحکیم مواضع انحصار طلبان راست گرا به منزله پی ریزی بنای دیکتاتوری ضد انقلابی است. آن ها می گویند تا چرخش کنونی هر اندازه ممکن است پر دامنه تر گردد و نه تنها عرصه سیاست داخلی، بلکه در تمام شئون زندگی سیاسی و اجتماعی میهن ما گسترش یابد. تمام کوشش هواداران نزدیکی به سیاست امریکا، که ما لا به نزدیکی و سازش با صهیونیسم - متحد جدائی ناپذیر امپریالیسم امریکا - تمام خواهد شد، آگاهانه یا نا آگاهانه، در این جهت اثر می کند و به پی ریزی پایه های یک رژیم وابسته کمک می رساند.

امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها و یاران و کارگزارانشان در ایران تجربه کافی دارند و با توسل به ریا و ترویج می گویند دسیسه های خطرناک خود را در پوسته ای از «دفاع از اسلام» در برابر «کمونیسم» و «دفاع از منافع مردم» در چارچوب کلمات بدون محتوی به خورد مردم دهند. آن ها حتی تا این حد پیش خواهند رفت که با فریادهای «امام خمینی رهبر ماست»، در عمل سیاستی را پیاده کنند که صد درصد مخالف آن چیزی است که امام خمینی تاکنون برای انقلاب اسلامی ایران ترسیم کرده است. آن ها خواهند کوشید که زیر پرچم «دفاع از شعائر اسلامی» و «مبارزه با منافقین»، ارتش را، بدون تصفیه از سرسپردگان رژیم شاه مخلوع بازسازی کنند و آن را به عنوان عمده ترین وسیله برای اجرای نقشه های شوم آینده خود تکمیل دارند.

ضد انقلاب در کمین نشسته است و از دیدن تشدید اختلاف در درون جبهه نیروهای ملی ایران شادمانی می کند. وظیفه همه مبارزان راه استقلال ملی، آزادی و منافع خلق های ستم دیده و زحمتکش میهن ماست که با تمام نیرو راه را برای پیشروی ضد انقلاب غیر قابل عبور سازند. به این هدف تنها در صورت اقدام بی درنگ همه این نیروها در جهت اتحاد، تنظیم برنامه مشترک و برداشتن گام های مشترک در راه پیش بردن یک سیاست ملی، آزادی خواهانه و خلقتی می توان دست یافت. تنها در سایه چنین اتحادی است که می توان دست آوردهای انقلاب تاریخی خلق های ایران را تثبیت و تحکیم کرد و آنرا گسترش داد.

آنچه امروز و در آینده دست آوردهای انقلاب ایران را تهدید می کند، دسیسه های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع «شاهنشاهی» وابسته به آن ها است. منحرف ساختن توجه خلق های انقلابی ایران از این خطر اصلی و واقعی، و لولوا آگاهانه باشد، کمکی است به پیشرفت دشمنان مردم ایران. ایجاد و دام زدن به هر گونه تفرقه، بسود دشمنان اصلی و واقعی مردم ایران تمام می شود. سرکوب بخش مهمی از نیروهای انقلابی میهن ما به دست انحصار طلبان راست گرا زمینه را برای آن فراهم می سازد که فردا

رفقای حزبی!
هواداران و دوستان حزب!
اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله آخرین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میبروم انقلابی است.

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، چنانچه به اینک فرستندگان اخبار و گزارتها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهش می کنیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس «مردم»

دوباره «زاهدی ها» و «سادات ها» و نظائر آنان، همان کسانی را که امروز «چپ ها» را سرکوب می کنند، زیر چکمه های خون آلود خود لگدمال کنند. تاریخ سی ساله گذشته میهن ما گویاترین شاهد بر این مدعا است.

دکتر مصدق و بسیاری از یارانش در «اوج قدرت و موفقیت» خود علیه امپریالیسم و اردو دست «شاهنشاهی»، در روزهای ۲۸ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، تصور نمی کردند که توطئه خائنانه ۲۸ مرداد در کمینشان نشسته است. آن ها تنها سرگرم آن بودند که چگونه ممکن است نیروهای توده ای را، که با تمام توانائی از آن پشتیبانی می کردند و خواستار اقدامات قاطع در جهت درهم شکستن امپریالیسم و ارتجاع سلطنتی بودند، سرکوب سازند.

با کمال تأسف تاریخ نشان میدهد که انحصار طلبان بینائی خود را خیلی زود از دست میدهند و خیلی زود مست قدرت می شوند. آنها فراموش میکنند که روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ هم میلیون ها نفر در سراسر ایران، با فریادهای خود رژیم منحوس شاه و پشتیبانان امریکائی و انگلیسی اش را محکوم کردند و از حکومت ملی دکتر مصدق حمایت نمودند. ولی این واقعتاً مانع آن نشد که ۲۴ ساعت بعد رژیم سیاه شاه فراری، به کمک سیاه آمریکا، دوباره در ایران مستقر گردد. این درس هنوز زنده تاریخ و درس های نظیر آن را در مصر و کشورهای نظیر ایران را فراموش نکنیم.

هموطنان! خطر ضد انقلاب، خطر عمده و خطر جدی است. تنها با اتحاد همه نیروهای ملی و آزادی خواه و هوادار خلق می توان این خطر را دفع کرد و سد عبور نکردهی در برابر ضد انقلاب برپا ساخت. حزب توده ایران اکنون نزدیک به چهل سال است که علیه دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، یعنی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم مبارزه می کند و آنرا خوب میشناسد و بر پایه این شناخت دقیق از ماهیت و شیوه های عمل این دشمن خطرناک است که مصرانه و با پی گیری خواستار اتحاد همه نیرو های ضد امپریالیستی، آزادی خواه و خلقتی است. حزب توده ایران بارها و بارها پیشنهاد های روشن خود را در این زمینه ارائه داشته و آمادگی خود را برای همکاری صمیمانه - بدون هیچگونه پیش داوری - با همه نیروهای انقلابی مدافع منافع خلق، با همه نیروهای ملی و آزادی خواه برای تشکیل جبهه متحد خلق اعلام کرده است. حزب توده ایران در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ پیشنهاد های روشن و همه جانبه خود را برای تنظیم برنامه مشترک چنین جبهه ای ارائه داده و آماده است هر پیشنهاد دیگری را که بتواند همکاری همه نیروهای انقلابی، ملی، آزادی خواه و خلقتی را، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و ایدئولوژیک، تامین کند، پایه بحث قرار دهد.

ما بازم تأکید می کنیم: دشمن اصلی و واقعی و خطرناک انقلاب ایران، امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی است. متحد شویم و این دشمن غدار، خیله گر، جنایت پیشه و غارتگر را از پیشروی باز داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

حل مساله کار گر

شعار انقلاب بود

عبدالملی اسپهبدی، وزیر جدید کار و امور اجتماعی، در جلسه ممانعه با همکاران جدید خود گفت: مساله کارگر یا مستضعفین مساله ای است که شاید بشود گفت این تیر به وحل کردن این مساله و حاکمیت اینها که شعار انقلاب و خواسته مردم بوده، ما و کسی دیگر نمی تواند متکثرش بشود.

وزیر جدید کار اضافه کرد: می توانیم نقش خیلی عمده ای در جبران ستم هایی که بطور اعم به زحمتکشان ایران در طول سالیان و بلاخص به طبقه کارگر، به مستضعفین شده، داشته باشیم.

افزود: مسائل و مشکلاتی که جامعه با آن مواجه است، مثل همین بیکاری پنهان و آشکار، يك مساله ای هست که قبلا هم عرض کرده بودم به علت وابستگی هائی بوده که نظام اقتصادی و تولیدی ما به انبساطات خارجی داشته و هنوز دارد.

وزیر جدید کار گفت: «از نظر بنده مساله ایدئولوژی و اعتقادات سیاسی، مکتبی و مرامی به هیچ وجه مطرح نیست. حتی بنده در همین پنج شش ماهی که در گروه صنعتی شهریار، که تهیه نام پیدا کرد به گروه صنعتی فولاد ایران، کار می کردم، همکاران خیلی خوبی داشتیم از هر قبیل و دسته فکری و استدلال بنده در مقابل فشار هائی که وارد میشد، در آنجا این بود که ما بتوانیم واحد اقتصادی مستقلی و اقتصادی داریم. بحث مرامی و اختلاف سلیقه هر کس دارد، محترم و عزیز است، دلیلی ندارد که حرف ما همیشه بهترین حرف باشد.»

وزیر جدید کار اضافه کرد: بنا بر این بنده که در اینجا در خدمتتان هستم ما همین دید به مسائل نگاه می کنم ، اعتقادات و سلیقه ها و آرمان های هر کس محترم، عزیز و از هر نظر قابل ستایش هست ، منتها بلحاظ اینکه هر واحدی باید یک سیاست عمومی و مشترک و هماهنگ داشته باشد تا در کارهای موفق بشود. بنده در برنامه هائی که خواهم داشت در هر قسمتی با کارشناسان و افرادی که تجارب گران بهائی دارند، در حقیقت سرمایه های این کشور هستند، مشورت خواهم کرد. نظر خواهم پرسید. و او عا می ندارم که مسئله ای را موشافص و لسی وقتی تصمیم گرفتم با مشورت هم دیگر، این تصمیمات باید قاطعانه اجرا شود چون غیر از این باشد حاکمیت دولت و حاکمیت ملی مفهوم خودش را از دست میدهد.

(کیهان - ۱۰ مهر)

در دانشگاه لبریز بین مسلمان و کمونیست تفاوت و تبعیضی نیست

دکتر باروقی، رئیس دانشگاه تبریز، که از سوی دانشکامیان به این سمت انتخاب شده است ، گفت:

اینکه احتمال داده می شود درگیری هائی پیش آید قطعیت ندارد و من شخصا به برخوردی اعتقادی ندارم و حتی اعتبار هم نمی دهم ولی با گروه های مختلف

در مطبوعات کشور

باشد تا پرچم امپریالیسم از همه خاک ها زیر کشیده شود

شنبه گذشته پرچم آمریکا زحومه کانال یا ناما به زیر کشیده شد. آمریکا سرانجام پس از سالها مبارزه مستمر مردم یا ناما و فشار افکار عمومی جهان مجبور به ترک بخشی از کانال یا ناما شد. اهالی یا ناما با سرور پرچم امپریالیسم جهان خوار را به زیر کشیده اند. باشد تا این پرچم از تمام خاک ها رخت بر بسته و زیر کشیده شود.

(کیهان - ۱۰ مهر)

چگونه مشکل کردستان حل میشود

داریوش فروهر، اگر به قصد جنکهای سلیبی به کردستان نرویم، بی تردید مشکلات حل خواهد شد.

(اطلاعات - ۱۰ مهر)

گروه دیگر است بلکه صرفاً بخاطر حفظ حرمت دانشگاه و از بین بردن سوء تفاهات ناشی از برخورد افکار صورت میگیرد.

(کیهان - ۱۰ مهر)

حقیقت را نمی توان پنهان کرد

در برنامه رادیویی روز دوشنبه که مسائل آموزش و پرورش در آن مطرح می شود شخصی بسختی از پخش اظهارات چند دانش آموز در این برنامه که از نارسانائی وضع آموزش و پرورش سخن گفته بودند و اظهار داشته بودند چرا بایستی در دوران انقلاب برای ثبت نام شهریه بپردازیم و یا اینکه امکانات آموزشی کافی در مدارس وجود ندارد و در دوران انقلاب بایستی با چنین وضعی روبرو باشیم انتقاد می کرد، شخصی انتقاد کننده که یک «فرهنگی» هم بود تهیه کننده و مجریان برنامه را بخاطر پخش این حقایق ضد انقلابی خواند و باین استدلال که پخش اینگونه مطالب اگر هم حقیقت باشد مصلحت نیست و نباید صورت گیرد گفت مطالبی از این قبیل چیز ایجاد آشوب نتیجه دیگری ندارد. وقتی این سخنان را از رادیو شنیدم بتاگاه بیاد دورانی افتادم که با همین استدلال ما را از نوشتن و گفتن باز می داشتند. بازگویی هر حقیقتی را ممنوع می کردند و هر نارسانائی را زیر سرپوش قرار میدادند و بالاخره نتیجه چندان سیاسی آن شد که دیدیم و خروش همگانی مردم که نتیجه برآمده از این نارضايتها بود.

شما چگونه آموزش دیده ای هستید که نمی خواهید حداقل با

توطئه های آمریکا در خلیج فارس

خلیج فارس این روزها شاهد تحولات سیاسی و نظامی شدیدی است که نشان از حرکت های تازه امپریالیسم در این منطقه دارد.

انقلاب اسلامی ملت ایران بسیاری از معادله های امپریالیستها را در منطقه بهم ریخت و در رأس آن آمریکا را با شکستی سخت روبرو کرد. ولی اگر تصور کنیم که در پی این شکست و اشنگتن به راحتی دست از منافع سرشارش برداشته است سخت در اشتباهیم. آمریکا در چند ماه اخیر برای آنکه بتواند به نحوی حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس حفظ کند، ابتدا با جنجال های تبلیغاتی احتمال بروز خطر یا خرابکاری در منطقه را به میان میکشید. (اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)

حقایق مربوط به کار خودتان آشنا شوید و برای آن درمانی لازم بیابید. این حرف صحیحی است که دانش آموزان قبل از انقلاب شهری ای نمی پرداختند و اکنون بایستی شهریه بپردازند شما آموزگار محترم قبل از اینکه بخشی این حقیقت را محکوم کنید و به آن شاخ و برگ بی جهت بدهید خود و تشکیلات آموزشی خود را بایستی محکوم کنید استدلال شما برای نگفتن و نوشتن حقایق همانا سانسور بشکل کیفی و زشت است که عدم آن یکی از درخواست های هزاران کشته و هزاران «مملول» این نهضت است و چنانچه باز هم بخوایم باین منطق ضعیف از روبرو شدن با حقیقت دوری جوئیم پس چگونه و در چه زمانی بایستی حقیقت گفته شود و راه مقابله با نارسانائی را دریا بیم؟ امروز هر صحبت و سخنی را با برچسب ضد انقلاب خفه میکنند و آنرا به گوشه ای می اندازند. «معاون دبیرستان» که متاسفانه نام خودشان را نیز نگفتند باید بدانند که نه تنها نباید به تهیه کننده برنامه و گفته های دانش آموزان مورد اشاره که به زعم ایشان جنبه آشوبگری داشته «انک» ضد انقلاب بزنند بلکه بایستی به این دوستان برای عملی که انجام داده اند آفرین و آفرین گفت که سخنان بدون منطق ایشان را نیز پخش کردند.

جامعه امروز ما به آدمهایی نیاز دارد که بدون ترس از عواقب اینگونه «انگها» نارسانائی را بگویند و بنویسند، تشکیلات آموزشی و پرورش ما همانند تمام ارگانهای دیگر با کوهی از مشکلات روبرو است آیا بایستی حال که خود مسئولین قدم به جلو نمی گذارند و مطلبی را بازگو نمی کنند و برای انجام هر نوع گفتگو و آگاهی بیشتر دانش آموزان هزار و یک شرط را گرو میگذارند مردم و رسانه های گروهی حقایق را بگویند؟

(اتحاد بزرگ - ۱۰ مهر)

مسئله «آوارگان ویتنامی» میراث سلطه سی ساله استعمار در این سرزمین است

فام وانگ دونگ، نخست وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام، طی مصاحبه ای با روزنامه اتریشی «پرسه» اظهار داشت: «مسئله آوارگان جنوب خاوری آسیا در نتیجه سلطه اشغال گران خارجی پدید آمده است و این مسئله اکنون با تحریکات آمریکا و حضور ناوگان هفتم آمریکا در این منطقه بفرسنگ تر میگردد.»

معلق شدن عضویت مصر

رادیوی بی بی سی اطلاع داد که عضویت مصر در شورای مدیران بانکهای مرکزی کشورهای عربی به حال تعلیق درآمده است. این تصمیم به نشانه اعتراض به موافقتنامه کمپ دیوید، در کنفرانس مدیران این بانکها اتخاذ شده است.

دفتر مردم گلباران شد...



رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، هنگام گشایش مجدد دفتر «مردم»، در حالیکه دسته گلی از جانب اعضای حزب دریافت میکند.

بقیه از صفحه ۹

دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، استوارترین و مستحکمترین سنگر زحمتکشان ایران از جانب مردم به گلستان تبدیل شده بود. عطر سکر آور گل های سرخ و میخک و گلایل فضای دفتر را انباشته بود. گل هائی استثنائی، که عطر انسانیت، ایمان انقلابی، وفاداری و تجدید عهد به راه مردم و انقلاب میپراکنند گل هائی که برای هر یک، دستانی لوزان از شوق پول جمع کرده، چشمانی مرطوب از شرف آن را بر گزیده، سینه هائی مالا مال از عشق به مردم آنرا به آغوش کشیده و پاهائی استوار در مبارزه آنها را به مقصد رسانیده است.

آن گوشه، دسته گل زیبایی است که کارگران کفش برای حزبشان آورده اند، با این پیام: «سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به رفقای حزبی، بویژه رفقای که سالگرد تأسیس حزب طبقه کارگر را در پشت میله های زندان شاه خائن جشن میگیرند، تبریک میگوئیم». در این گوشه، دسته گلی است که ۳۰ دختر دانش آموز از دبیرستان شرف آورده اند. در مدرسه خبر گشایش دفتر «مردم» را شنیده اند، به گل فروشی رفته و زیباترین و سرخ ترین گل را انتخاب کرده اند، بر آن پیامی ملهم از انسانی ترین احساسات خود نوشته اند، با همان روپوش مدرسه عازم دفتر ارگان حزب خود شده اند، تا شادمانی نوجوانان آگاه کشور ما را بکوش حزب زحمتکشان برسانند و سی و هشتمین سالگرد تولدش را تهنیت بگویند.

«پرنده ای که بارها محنت قفس کشیده - در راه هدفی بس والا - هر بار، پس از هائی، بیشتر اوچ گیرد و بال و پر زند. چنین است حزب ما... نمی توان و نباید به آزادی، به عشق برای بودنشان شاد باش گفت، که این بی حرمتی است به حریم ایشان. اما می توان شاد بود، چون ما و پیوند تر در این راه».

آن گوشه، دسته گلی است که کارگران مبل لادن آورده اند. دسته گل های هواداران حزب از «مها باد»، شهری و سمنان» با پیام های همبستگی و شادمانی اینجا و آنجا رخ می نماید. دسته گل دانشجویان هوادار حزب از انستیتو موموهرتری در گوشه دیگری پیوند آگاهترین روشنفکران را با زحمتکشان یسادی آوری میکند، با این پیام عهد و مودت: «در آستانه سی و نهمین سال فعالیت حزب توده ایران، سنگر آزادی و دژ مستحکم زحمتکشان گشوده شد... ضمن تبریک به تمام اعضای کمیته مرکزی و تمام رفقا، باری دیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه به ثمر رساندن اهداف انسانی حزب توده ایران اعلام میداریم.» اینجا و آنجا گل هائی است که هر یک عطر و بسو طراوت و شادابی خاص خود را دارد. این یکی را دانش آموزان دبیرستان جاویدان آورده اند، آن یکی هدیه دانش آموزان دبیرستان اخگر است و آن دیگر از آن دانش آموزان دبیرستان دانشگاه ملی .. خانم مسنی به درون می آید. هنوز وارد نشده اشک شوق از دیدگانش سرازیر میشود. میگوید: «الان خیر دارم. گفتم اگر بروم سراغ گل فروشی ممکنست دیر بشود و دفتر را ببندید.» و ۷۵ تومان پول گل را به داخل صندوق می اندازد، آرزوی پیروزی میکند و در حالیکه چشمانش را پاک میکند، می رود. هنوز او بیرون نرفته، ناصر ۱۲ ساله وارد میشود، فروشنده روزنامه مردم و آذرخش در خیابان انقلاب و دانش آموز کلاس پنجم دبستان با همه دست میدهد و به همه تبریک میگوید. می خواهد رفیق کیانوری را ببیند تا حضوراً به او تبریک بگوید. زلی رفیق بدنبال کاری بیرون رفته است. به او وعده میدهند تا روز شنبه دوباره بیاید. چایک و چالاک می رود، در حالیکه یقه سفید روپوشی مدرسه اش از پشت برق میزند.

چند تن از دانش آموزان هوادار حزب از شیراز به درون می آیند. از جانب نوجوانان شیرازی تبریک میگویند و ۲۷۷ تومان همراه یک شاخه گل سرخ، تقدیم میکنند و میروند.

عشق مردم به حزب و مردم، تمامی ندارد. مردم گروه گروه همچنان می آیند. اکثر چشمانشان به اشک می نشیند. یا پولی به صندوق می اندازند و یا دسته گلی به ارمنان تقدیم می کنند و سپس میروند. ولی گلها هر لحظه بیشتر و گلستان «مردم» هر لحظه فراختر میشود. عطر گلها راه سترگ و دشوار آینده را یسادی آوری میکنند، با پیام استواری و سازش ناپذیری.

بر روی دیوار با میخک سرخ نقش زده اند.

زنده باد آزادی!



بخش سوم نعلق رفیق فیدل کاسترو
در کنفرانس غیر متعهدانه در هاوانا

امریکای لاتین و سیاست تجاوز گرانه امپریالیسم امریکا

ما با قطعیت پشتیبانی و همبستگی خود را نسبت به جنبش های رهائی بخش خلیج فارس منطقه ابراز می‌داریم. خلق پورتوریکو درگیر مبارزات سرسختانه ای است در راه تحقق حق تعیین سرنوشت و استقلال و آزادی خود، که این مبارزات با مقاومت و تجاوزگری استعمارگران امپریالیستی مواجه است. خلق پورتوریکو نیز مانند خلقهای ژیمبا بوه، نامیبی، افریقای جنوبی، فلسطین و دیگر خلقها در معرض تجاوز و ستم امپریالیسم امریکاست. ما از خواست عادلانه مردم پاناما در برقراری حق حاکمیت ملی خود بر منطقه کانال پستیپانی و توطئه های امپریالیستی برضد پاناما را محکوم می‌کنیم. مبارزه استقلال طلبانه خلق بلوی، که ارتجاع داخلی و رژیم دیکتاتوری گواتمالا - ساتراپ امپریالیسم در این کشور - آنرا سرکوب می‌کند، مورد پشتیبانی ماست. ما از کوششهای خلق بلوی صمیمانه حمایت می‌کنیم، سرزمین این کشور بخاطر منافع آزمندانه امپریالیستهای امریکائی قطعه قطعه شده است. مبارزات این خلق بخاطر استقلال و آزادی، عادلانه و بحق است. ما با ادامه هرگونه استعمار در نیم کره خود مخالفیم و در راه لغو آن مبارزه می‌کنیم.

نیکاراگوا نوبن برای نوسازی کشور به همکاری همه جانبه بین المللی نیازمند است. این کشور در نتیجه قریب نیم قرن سلطه سلسله سوموزا، مولود تفنگداران دریائی امریکائی، به ویرانه های تبدیل شده است.

کوبا نیز به همبستگی بین المللی نیاز دارد. کشور ما از عواقب محاصره اقتصادی جنایت آمیز امپریالیسم امریکا عذاب می‌کشد. این محاصره وحشیانه حتی فروش دارو را به کشور ما شامل می‌شود. بخشی از سرزمین کشور ما تاکنون هم در اشغال ارتش امریکاست ایالات متحد امریکا چه حقی دارد با وسائل گوناگون از رشد و توسعه مین ما جلوگیری کند؟ آیا امریکا حق دارد بر رگم تمایل و اراده خلق ما، در سرزمین کشور ما پایگاه نظامی داشته باشد؟

در تمام این مسائل و اختلافات، که موجب نگرانی خلقهاست، تنها يك قدرت متجاوز، یعنی امپریالیسم امریکا را می بینیم. آیا بیان صریح این واقعات را باید افراطی نامید؟

مسئله سر نوشت صلح و بیماریهای مزمن نظام سرمایه داری

با اینکه کشورهای کم رشد غنی نیستند و سطح تولید در آنها نسبتاً ناازل است و در صورت وقوع جنگ احتمال دارد کمتر از دیگران خسارت ببینند، اما آیا ما میتوانیم نسبت به سر نوشت صلح جهانی بی تفاوت باشیم؟ این بی تفاوتی به معنای امتناع از امید به آینده بهتری است. ما با این عقیده، که جنگ جهانی هسته ای امریکاست ناگزیر، موافق نیستیم. يك چنین موضوعی مسئولیت و آینده را به تقدیر سپردن، آسان ترین راه بسوی نابودی محتوم خلقها و در نتیجه فاجعه ای جهانی است. ما نمیتوانیم این امر مهم را نادیده بگیریم. نسل مادر تاریخ بشریت نخستین بار است که با يك چنین خطری مواجه میشود.

تکامل جامعه سرمایه داری، نمونه سطح زندگی و مصرف بی بندوبار و اسراف را بوجود آورده و متأسفانه این امر به دیگر کشورها نیز سرایت میکند. بسیاری از کشورهای منطقه ما رشد اقتصادی را، با کوشش برای رسیدن به آن زندگی که در نیویورک و لندن و پاریس وجود دارد، یکسان میدانند، اما بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و

عوارض آن، تورم، بحران انرژی و بیکاری را نمیخواهد ببینند، کمتر کشوری در میان جنبش غیر متعهدانه وجود دارد که از این مصائب مصون مانده باشد. به عقیده ما، مبارزه در راه صلح، در راه استقرار نظام عادلانه روابط اقتصادی و حل عادلانه مسائل مبرم دیگر، که با سر نوشت و منافع کشورهای مادر ارتباط هستند، برای حیثیت کشورهای غیر متعهد از عمده مسائل اند.

صلح، تشنج زدائی، همزیستی مسالمت آمیز، خلع سلاح، مسائلی هستند که در راه تحقق آنها باید مبارزه کرد. اگر ما به سر نوشت بشریت علاقمند هستیم، در جهان امروز جز این راه، راه ممکن دیگری وجود ندارد.

به همین مناسبت، کشورهای عضو جنبش ما باید از همه کوششهایی که در این راه بعمل می‌آید، حمایت کنند. پس ما باید با احساس رضایتمندی و نظر تأیید از قرارداد ۲۰ ساله (محدود کردن سلاحهای استراتژیک) که اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا امضاء کرده اند، پشتیبانی کنیم. در عین حال باید کوششهای نیروهای ارتجاعی و جنگ طلب را برای بازگشت بسدوران جنگ سرد، محکوم کنیم.

نزد ما مارکسیستها جنگ و تسلیحات، در بعد تاریخی آن، با سیستم و نظام بهره کشی انسان از انسان و آزمندی پایان ناپذیر این نظام پیوند ناگسستنی دارند. این نظام بر حسب سرشت و ماهیت خود، برای به جنگ آوردن منابع خام به اشغال نظامی و تجاوز به سرزمین دیگران اقدام میکند. ما زمانی در سازمان ملل متحد بیان کردیم، **پایان ایدئولوژی چپاولگری، پایان ایدئولوژی جنگ خواهد بود.**

سوسیالیسم، به مثابه يك نظام اجتماعی، برای اقتصاد خود به تولید اسلحه نیاز ندارد. سوسیالیسم به نیروهای صلح جهت فصب و اشغال منابع طبیعی خلقهای دیگر نیاز ندارد. ما نمایندگان آنی که در این کنفرانس گرد آمده ایم، نمایندگان اکثریت عظیم خلقهای جهان هستیم. پس بیائید نیروی روزافزون جنبش نیرومند خود را در سازمان ملل متحد در هر چه می‌تواند، برای خلیجهای خود استقرار روابط اقتصادی بین المللی عادلانه و پایان بخشیدن به غارت منابع و ثروت های ملی خویش را خواستار شویم. بیائید برای احقاق حقوق خود، حق تکامل، حق زندگی و حق آینده سعادت مند ایستادگی کنیم.

نظام اقتصادی مبتنی بر فروتمند شدن گروهی به حساب بهره کشی از دیگران، آن نظامیکه تا دیروز خلقهای ما را به فقر محکوم کرده بود و میکوشد در همان وضع عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی ما را نگهدارد، دیگر در حال افول است. باشد که در این ششمین کنفرانس سران دول و کشورهای جنبش غیر متعهدانه، همزمان برای مبارزه در راه ایجاد شود و نتیجه این کنفرانس به اقدامات مشخص و عمل بی انجامد، نه تنها، سخنرانی.

شاید این اظهارات من، در گشایش کنفرانس، چندان با موازین دیپلماسی وفق ندهد و احتمال دارد با پروتکل مصوبه مطابقت کامل نداشته باشد. اما من امیدوارم که هیچک از نمایندگان درصمیمیت و صداقت گفته های من تردید نداشته باشند.

پایان

سفیر ایران در شوروی:

روابط ایران با شوروی عالی است

● رسانه های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان انقلاب، ایران را ستوده و آنرا حماسه آفرین تلقی کردند.

دکتر محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی، در گفت و گوئی با خبرنگارهای تاس و نوشتی، روابط ایران و شوروی را عالی توصیف کرد.

دکتر محمد مکرری با اشاره به مذاکرات دکتر ابراهیم یزدی و وزیر امور خارجه ایران با گرومیکو روابط دو کشور را در سطح عالی توصیف کرد و اظهار داشت انقلاب ایران کشور را از قید اتکاء به خارجیان رها کرده است. خروج ایران از بیعمان سنتی، تعطیل پایگاههای جاسوسی امریکا در ایران، عدم ایفای نقش ژاندارم منطقه، قطع رابطه با اسرائیل و افریقای جنوبی، حمایت از آرمانهای مردم فلسطین و سایر جنبشهای آزادی خواه و پیوستن ایران به جرگه کشورهای غیر متعهد، هر کدام قرینه ای است به اینکه ایران برای تقویت استقلال سیاسی خود کوشش می کند و مردم ایران ما را یاری دهند. با همسایه شمالی خود در صلح و دوستی متقابل زندگی کرده و از ثمرات همکاریهای دو جانبه بهره مند شوند.

سفیر ایران از جرایم شوروی که نسبت به انقلاب ایران موضع واقع بینانه اتخاذ کرده اند تشکر کرد و اظهار داشت،

... «رسانه های گروهی شوروی، دانشمندان، سیاستمداران و بخصوص مسلمانان، انقلاب ایران را ستوده و آنرا حماسه آفرین تلقی کردند.»



همکاری سازمانهای جاسوسی آمریکا و مصر و اسرائیل در توطئه علیه انقلاب ایران

روزنامه «الشعب»، چاپ لبنان، در تفسیری پیرامون اوضاع ایران مینویسد که، آمریکا تلاش دارد با استفاده از اوضاع ایران، رژیم انقلابی کنونی در کشور را سرنگون سازد و يك رژیم هوادار آمریکا بر سر کار آورد. اداره مرکزی اطلاعات آمریکا، «سیا»، با همکاری سازمانهای جاسوسی اسرائیل، انگلستان و مصر در این زمینه همکاری میکند. عملیات تخریبی و ترور که در ایران انجام میگردد از اجزاء این توطئه اند. این روزنامه مینویسد که مسافرت اخیر رئیس دایره خاورمیانه «سیا» به قاهره و بیت المقدس هدف هماهنگی این توطئه ها را داشته است و به همین منظور با نمایندگان سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل ملاقات و مذاکراتی بعمل آورده است. روزنامه «الشعب» در پایان تفسیر خود مینویسد، نقشه این عملیات توطئه گرانه علیه ایران با تمام جزئیات آن، از آنجمله مداخله مسلحانه مستقیم امریکا، با همکاری نزدیک سازمانهای جاسوسی مصر و اسرائیل و امریکا طرح ریزی و تهیه شده است.

اتحادیه کارگران جوان امریکا خواستار کاهش بودجه نظامی امریکا است

سازمان امریکائی بنام «اتحاد کارگران جوان بخاطر آزادی» تصویب هر چه زودتر قرار داد ۲ ساله و محدود کردن سلاحهای استراتژیک میان امریکا و شوروی را خواستار شد. در پیام منتشره از جانب این سازمان خاطر نشان شده است که تصویب این قرارداد به استحکام مبانی صلح کمک میکند و امکان خواهد داد که در امریکای پهنه های هنگفت نظامی کاهش یابد و برای مبارزه با تورم و بیکاری و در زمینه بهداشت و امور اجتماعی اعتبارات بیشتری مصرف شود.

خبرگزاری تاس ادعای براون را رد کرد

خبرگزاری تاس اظهارات براون، وزیر امور خارجه امریکا، رامبئی بر اینکه گویا هزینه های نظامی دولت شوروی طی پانزده سال اخیر فوق العاده افزایش یافته است، رد کرد. در این خبر گفته میشود که هزینه های دفاعی اتحاد شوروی، از سال ۱۹۶۸ تا کنون، فقط ۴ میلیارد و چهارصد میلیون روپل افزایش یافته، در حالی که، هزینه های نظامی امریکا، طی این مدت، ۷۶ میلیارد و چهارصد میلیون دلار افزوده شده است.

بیکاری = بیماری مزمن نظام سرمایه داری

برابر آمار رسمی منتشره از مرکز بازار مشترک اروپا، شماره بیکاران در ۹ کشور عضو این بازار دوباره سه شش میلیون نفر میزند. این شاخص فقر اجتماعی زحمتکشان، از دوران بحران سالهای ۷۵-۱۹۷۳ در این کشورها، همچنان در این حد باقیست. در ایالتیالی ۷۶ درصد، در بلژیک ۸ درصد، در فرانسه ۵/۸ درصد اهالی، که قابلیت کار دارند، ارتش بیکاران را تشکیل میدهند.

تغییر کاپینه به چه معنی است...؟

بقیه از صفحه ۹

جدید، وجود دارد، مردم بیش از هر چیز انتظار دارند که مسئله کردستان بعنوان مهمترین و حادث ترین مسئله کنونی کشور، اولین ماده دستور کار قرار گیرد و این مسئله از راه سلامت آموخ و به سود تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهار چوب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران حل شود.

صرف نظر از اینکه درباره لزوم وصحت انتصاب آقای چمران به وزارت دفاع ملی، بحثهای فراوان و حادی در محافل سیاسی و اجتماعی وجود دارد، اظهارات آقای چمران، وزیر جدید دفاع، درباره میمانهای نظامی با کشورهای امپریالیستی و بازسازی ارتش، باردیگر مسائل حیاتی مربوط به استقلال و امنیت کشور را مطرح میسازد.

مردم از همان آغاز پیروزی انقلاب، ضرورت لغو بدون قید و شرط همه قراردادهای اسارت آور با کشورهای امپریالیستی، و قبل از همه، قرارداد استعماری و استقلال شکن نظامی با امریکا، و بازسازی و نوسازی ارتش، از راه قطع وابستگی ارتش به امپریالیسم امریکا، و تصفیه بنیادی ارتش از سر سپردگان به رژیم سابق بودند. متأسفانه این خواست مردم هنوز انجام نگرفته و این خطری است که همچنان استقلال مین ما را تهدید میکند. مسردم از وزیر جدید دفاع می‌طلبند که از مرحله حرف بگذرد و به مرحله عمل برسد و قضاوت آخرین خود را در سخنان و وعدهها فقط زمانی خواهد کرد که ببینند این خواستهای اساسی و حیاتی تحقق خواهد پذیرفت یا نه.

کار وزارت آموزش و پرورش با سر نوشت میلیونها نفر از نوجوانان و جوانان ما بستگی دارد، مسئله ایست که برای تمام خانواده های ایرانی مطرح است. متأسفانه در آموزش و پرورش ما، از یکسو به علت تصمیمات و روشهای متناقض از جانب مسئولان امور این وزارتخانه، هر چه و هر چه حکم فرماست، از جانب دیگر به علت تصمیمات نادرست و زیان بخش، اختلال جدی در کار آموزش و پرورش بروز کرده است. و این هر دو، اگر ادامه یابد، خطرات جدی برای آموزش و پرورش ما و نسل جوان، در بردارد. و همین واقعت است که نگرانی عمیق همه مردم و بویژه نوجوانان و جوانان و خانواده های آنان را برانگیخته است.

نوجوانان و جوانان، پدران و مادران آنها، و همه مردم ایران انتظار دارند که نظام آموزشی خلقی و ملی در ایران پس از انقلاب برقرار گردد، آموزش رایگان برای همه فراهم شود، محیط آزاد و سالم و خلاق در آموزش و پرورش و فرهنگ تأمین گردد، تانسول جوانان، که در انقلاب بزرگ مردم ایران فعالانه شرکت کرده و خون داده، بتواند با همان روح یرشور انقلابی در ساختن ایرانی نوین، ایران مستقل، آزاد و آباد شرکت کند.

اینها انتظارات مردم است. و روشن است که مردم قبل از هر چیز عمل را ملاک قضاوت خود قرار میدهند و این عمل اگر بسود آنها و انقلاب آنها باشد، مورد تأیید آنها قرار میگیرد و در غیر این صورت انگیزه انتقاد آنها و مبارزه آنها برای رفع نقائص و معایب و اشتباهات و انحرافات و سیاستهای غلط. ما نیز که در راه مردم گام بر می‌داریم، جز این سیاستی نداریم.